

Developing a Cultural Policy Model Based on Political Components in Iraq

Ziad Mohammad Saeed
Hossein Al-Saadoun

Department of Public Administration, Isf.C.,
Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Enayatollah Aghaei *

Department of Management, Nar.C., Islamic
Azad University, Naraq, Iran.

Mohammad Shahab Ahmad
Al-Delfi

Department of Management, Kot Branch, Wasit
University, Kot, Iraq.

Mohsen Shariati Kamalabadi

Department of Culture and Communication,
Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Abstract

The aim of this research is to develop a cultural policy model based on political components in Iraq. The present research was of a mixed type (qualitative-quantitative). The statistical population of this research in the qualitative part consists of managers of Iraqi government organizations, and according to snowball sampling, 10 people with expertise and sufficient education and experience related to the subject were selected as research experts to conduct interviews. The participants in the quantitative part of the research are managers of Iraqi government organizations, 50 of whom answered the expert questionnaire. Max Quda software and Friedman test were used to analyze the data. The research results include the dimensions of government and political structure (political and governmental structure, coordination and cohesion, security and stability, the role of non-governmental organizations), the dimension of cultural and social diversity factors (ethnic and religious diversity, cultural policies, education and awareness), the dimension of foreign influence and international influences (foreign influences and media, foreign influence and political parties), the dimension of corruption, resources and infrastructure factors (financial resources and infrastructure, administrative corruption and administrative problems), the dimension of policy-making, planning and development factors (planning and policy-making, cultural research and development), and the dimension of technology and innovation factors (new technology, the influence of elites and the scientific community).

Keywords: Cultural policy-making, political components, Iraq

How to Cite: Al-Saadoun, Z. M. S. H. , Aghaei, E. , Al-Delfi, M. S. A. and Shariati Kamalabadi, M. (2025). Developing a Cultural Policy Model Based on Political Components in Iraq. Journal of Intelligent Strategic Management 4(2), 47-84.

doi: bumara .3.2.15564.35887873.63081019



Intelligent Strategic Management (JISM) in Development and Evolution is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License.

© Authors

* Corresponding Author : e.aghaei1404@gmail.com

تدوین الگوی خط مشی گذاری فرهنگی بر اساس مولفه های سیاسی کشور عراق

گروه مدیریت دولتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

زیاد محمد سعید حسین السعدون

گروه مدیریت، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران.

عنایت اله آقایی*

گروه مدیریت، واحد کوت، دانشگاه واسط، کوت، عراق.

محمد شهاب احمد الدلفی

گروه فرهنگ و ارتباطات، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

محسن شریعتی کمال آبادی

چکیده

هدف این پژوهش تدوین الگوی خط مشی گذاری فرهنگی بر اساس مولفه های سیاسی کشور عراق است. پژوهش حاضر از نوع آمیخته (کیفی-کمی) بوده است. جامعه آماری این تحقیق در بخش کیفی را مدیران سازمان های دولتی عراق تشکیل می دهند و با توجه به نمونه گیری گلوله برقی تعداد ۱۰ نفر از اشخاص صاحب نظر و دارای تحصیلات و تجربه کافی مرتبط با موضوع، به عنوان خبرگان پژوهش برای انجام مصاحبه انتخاب شدند. مشارکت کنندگان پژوهش در بخش کمی مدیران سازمان های دولتی عراق هستند که پرسشنامه خبره توسط ۵۰ نفر از آنها پاسخ داده شد، جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار مکس کیودا و آزمون فریدمن استفاده گردید. نتایج پژوهش مشتمل بر ابعاد ساختار حکومتی و سیاسی (ساختار سیاسی و حکومتی، هماهنگی و انسجام، امنیت و ثبات، نقش سازمان های غیردولتی)، بعد عوامل تنوع فرهنگی و اجتماعی (تنوع قومی و مذهبی، سیاست های فرهنگی، آموزش و آگاهی بخشی)، بعد عوامل نفوذ خارجی و تأثیرات بین المللی (تأثیرات خارجی و رسانه ها، نفوذ خارجی و احزاب سیاسی)، بعد عوامل فساد، منابع و زیرساخت ها (منابع مالی و زیرساخت ها، فساد اداری و مشکلات اجرایی)، بعد عوامل سیاست گذاری، برنامه ریزی و توسعه (برنامه ریزی و سیاست گذاری، تحقیقات و توسعه فرهنگی) و بعد عوامل فناوری و نوآوری (فناوری نوین، تأثیر نخبگان و جامعه علمی) است.

کلیدواژه ها: خط مشی گذاری فرهنگی، مولفه های سیاسی، کشور عراق

استناد به این مقاله: السعدون، زیاد محمد سعید حسین و آقایی، عنایت اله و الدلفی، محمد شهاب احمد و شریعتی کمال آبادی، محسن. (۱۴۰۴). تدوین الگوی خط مشی گذاری فرهنگی بر اساس مولفه های سیاسی کشور عراق. مدیریت استراتژیک هوشمند، ۲(۴)، ۴۷-۸۴.



مدیریت استراتژیک هوشمند (JISM) در توسعه و تکامل تحت مجوز بین المللی کرییتیو کامنز با شرایط انتساب-غیرتجاری ۴.۰ منتشر می شود.

© نویسندگان

* نویسنده مسئول: e.ghaei1404@gmail.com

مقدمه

تدوین الگوی خط مشی گذاری فرهنگی در هر کشور، به ویژه در کشورهایی با بافت های سیاسی و اجتماعی پیچیده مانند عراق، نیازمند توجه به مولفه های سیاسی خاص آن کشور است. عراق با تاریخ و فرهنگ غنی خود، در دوره های مختلف دچار تحولات سیاسی و اجتماعی بزرگ بوده است که تأثیرات آن بر سیاست گذاری های فرهنگی نیز مشهود است. پس از سقوط رژیم صدام حسین و وقوع تحولات سیاسی و اجتماعی گسترده، عراق با چالش هایی مانند تنوع قومی و دینی، بحران های امنیتی، و تلاش برای بازسازی زیرساخت ها و نهادهای دولتی روبه رو بوده است. در چنین شرایطی، طراحی و تدوین یک الگوی خط مشی گذاری فرهنگی نیازمند درک عمیق از ساختار سیاسی کشور و تأثیرات آن بر جامعه فرهنگی است. مولفه های سیاسی مانند ایدئولوژی حکومت، ساختار قدرت، نقش گروه های ذی نفوذ، روابط بین المللی، و سیاست های داخلی و خارجی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم زیادی بر فرآیند خط مشی گذاری فرهنگی دارند. در عراق، که دارای ساختار سیاسی پیچیده ای است و اقوام و مذاهب مختلف در آن زندگی می کنند، خط مشی گذاری فرهنگی باید با در نظر گرفتن تنوع اجتماعی، نیازهای مختلف گروه های قومی و دینی و همچنین مشکلات اقتصادی و امنیتی تدوین شود.

صاحب نظری با نگاهی ساختاری خط مشی های عمومی را قوانین و استراتژی هایی میدانند که دولت برای هدایت و مدیریت برنامه های اقتصادی، اجتماعی، اداری و... تدوین می کند، اهداف خط مشی هایی که سیاست گذاران دولتی تدوین میکنند در راستای خلق فرصت ها، آموزش مهارت های جدید و رشد افراد است. برخی دیگر از صاحب نظران نیز با نگاه جامع فرهنگی و اجتماعی چنین ابراز داشته اند خط مشی عمومی بیانگر، فرهنگ نظام اقتصادی و اولویت های مورد قبول جامعه است. همچنین از دیدگاهی دیگر خط مشی عمومی سلسله ارزش هایی قلمداد شده است که پشتوانه اقدامات دولت و سایر مراجع تصمیم گیرنده در جامعه قرار می گیرد این دیدگاه در واقع نگاه ارزشی به خط مشی دارد. علاوه بر این در تعریف دیگری که نقش قدرت و مشروعیت در آن به چشم می خورد چنین آمده است خط مشی عمومی عبارت از یک سلسله اقدامات هدف دار به وسیله یک فرد یا گروهی از افراد است که دارای قدرت و مشروعیت خط مشی گذاری هستند از دیدگاهی دیگر سیاست هایی کلی است که برای هماهنگی و انسجام هدف های نظام موجود در جامعه

اعمال می‌شود و بازتاب ارزش‌هایی است که جامعه و دولت به آن‌ها پایبند هستند (کاثم، ۲۰۲۰).

خط مشی‌گذاری سیاسی در عراق به دلیل ساختار سیاسی پیچیده و تنوع قومیتی و مذهبی، فرآیندی چندلایه و پیچیده است. پس از سرنگونی رژیم صدام حسین در سال ۲۰۰۳، عراق به یک نظام جمهوری پارلمانی فدرال تبدیل شد که بر مبنای قانون اساسی جدید، تدوین و اجرا می‌شود. این قانون اساسی که در سال ۲۰۰۵ تصویب شد، چارچوب کلی برای خط و مشی‌گذاری سیاسی را تعیین می‌کند و اصولی چون دموکراسی، فدرالیسم، و احترام به حقوق بشر را تضمین می‌کند. یکی از مهم‌ترین مولفه‌های این قانون، تقسیم قدرت بین قوای سه‌گانه و همچنین بین دولت مرکزی و دولت‌های منطقه‌ای است که هدف از آن جلوگیری از تمرکز قدرت و تکرار دیکتاتوری‌های گذشته است کشور عراق دارای مولفه‌های سیاسی متنوعی است که بر ساختار و عملکرد نظام سیاسی آن تأثیر می‌گذارند. یکی از مولفه‌های اصلی، نظام سیاسی عراق است که یک نظام جمهوری پارلمانی فدرال را تشکیل می‌دهد. این نظام شامل سه قوه مجریه، مقننه و قضاییه است که هر کدام وظایف و مسئولیت‌های مشخصی دارند. رئیس‌جمهور به عنوان رئیس دولت، نخست‌وزیر به عنوان رئیس قوه مجریه و مجلس نمایندگان به عنوان قوه مقننه عمل می‌کنند. همچنین، عراق دارای یک سیستم فدرال است که به استان‌ها و مناطق مختلفی که گاهی خودمختار هستند، اجازه می‌دهد در چارچوب قوانین ملی اداره شوند. اقلیم کردستان یکی از این مناطق خودمختار است که دارای پارلمان و دولت محلی مستقل است (حمید، ۲۰۲۰).

شناخت ساختار دولت (به عنوان مثال، قوه مقننه، مجریه و قضاییه) و فرآیندهای تصمیم‌گیری در سیستم سیاسی برای سیاست‌گذاری مؤثر فرهنگی بسیار مهم است. تأثیر احزاب سیاسی مختلف و ایدئولوژی‌های غالب بر سیاست‌های فرهنگی باید مورد توجه قرار گیرد. تجزیه و تحلیل اینکه چگونه ترجیحات سیاسی نخبگان حاکم به سیاست‌های عمومی شکل می‌دهد مهم است. در کشورهایی که ساختارهای سیاسی غیرمتمرکز دارند، رابطه بین دولت مرکزی و مقامات منطقه‌ای/محلی در سیاست‌گذاری فرهنگی نیاز به ارزیابی دارد. تأثیر پویایی‌های سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی بر سیاست‌های فرهنگی یک کشور باید ارزیابی شود. تأثیرات سیاسی خارجی می‌تواند به طور قابل توجهی تصمیمات سیاست فرهنگی داخلی را شکل دهد. سیاست‌های فرهنگی باید با اسناد سیاستی سطح

بالا تر، مانند برنامه‌های توسعه ملی و اعلامیه‌های سیاسی، همسو و مشتق شوند. ارزیابی این همسویی بسیار مهم است. مشارکت ذینفعان مربوطه از جمله کارشناسان فرهنگی، مدیران و دست‌اندرکاران در فرآیند سیاست‌گذاری باید مورد بررسی قرار گیرد. سیاست‌گذاری فراگیر می‌تواند اثربخشی را افزایش دهد. شناسایی و رسیدگی به چالش‌ها در اجرای سیاست‌های فرهنگی کلیدی است. اجرای ناکارآمد می‌تواند حتی سیاست‌های خوب طراحی شده را تضعیف کند. ایجاد سیستم‌های نظارت و ارزیابی قوی برای ارزیابی تأثیر و اثربخشی سیاست‌های فرهنگی برای سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد ضروری است. با گنجاندن این عوامل در ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی، سیاست‌گذاران می‌توانند سیاست‌های فرهنگی جامع‌تر، متناسب با زمینه و اثربخش‌تر را تدوین کنند که با واقعیت‌ها و اولویت‌های سیاسی کشور عراق همسو باشد. از اینرو در این پژوهش به تدوین الگوی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی بر اساس مولفه‌های سیاسی کشور عراق پرداخته می‌شود. این الگو باید انعطاف‌پذیر باشد تا به کشور کمک کند که در کنار حفظ هویت فرهنگی و ملی، همزمان با چالش‌های جهانی‌سازی و رقابت‌های فرهنگی مواجه شود. از این رو، توسعه یک مدل مناسب برای خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در عراق، نیازمند همکاری میان نهادهای دولتی، گروه‌های فرهنگی و نهادهای بین‌المللی است تا سیاست‌های فرهنگی به شکل مؤثر و جامع اجرا شوند.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم سیاست فرهنگی و خط‌مشی‌گذاری فرهنگی از جمله مفاهیم تازه‌ای است که از حدود چهار دهه قبل در کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته است. خط و مشی‌گذاری مدیریت فرهنگی یکی از اقداماتی است که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران جایز خالی است، ولی وجود این نوع سیاست‌گذاری موجب می‌گردد تا به بخش قابل ملاحظه‌ای از نیازهای بخش فرهنگ عمومی پاسخ داده شود. لازم است تا به یافتن راه‌حل‌های خاص در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی توجه شود تا اطمینان حاصل گردد این امر از طریق مدیریت امور فرهنگی قابل دستیابی است. فقدان برنامه‌ریزی فرهنگی جامع و مدیریت فرهنگی کارساز، دو مقوله‌ای است که می‌توان در جهت نهادینه شدن ارزش‌ها، باورها بهبود و تغییر در الگوهای جامعه نقش اساسی و سازنده داشته باشند (کاشم، ۲۰۲۰).

در سطح اجرایی، خط مشی گذاری سیاسی توسط نخست وزیر و کابینه وی انجام می‌شود. نخست وزیر که از سوی مجلس نمایندگان انتخاب می‌شود، نقش مهمی در تعیین سیاست‌های داخلی و خارجی کشور دارد. وزارتخانه‌های مختلف نیز تحت نظر کابینه به تدوین و اجرای سیاست‌ها در زمینه‌های مختلف مانند اقتصاد، بهداشت، آموزش، و امنیت می‌پردازند. این سیاست‌ها باید با تصویب مجلس نمایندگان به قانون تبدیل شوند که این خود نشان‌دهنده نقش مهم و نظارتی قوه مقننه در خط و مشی گذاری سیاسی است. فرآیند تدوین سیاست‌ها اغلب با مشورت و مذاکرات گسترده بین احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف همراه است، چرا که عراق کشوری با تنوع قومیتی و مذهبی بالا است. در سطح منطقه‌ای، هر یک از استان‌ها و مناطق خودمختار عراق دارای شوراهای محلی هستند که در خط و مشی گذاری سیاسی در سطح منطقه‌ای نقش دارند. به عنوان مثال، اقلیم کردستان عراق دارای پارلمان و دولت محلی مستقل است که سیاست‌ها و قوانین خاص خود را تدوین و اجرا می‌کند. این سیستم فدرالی به مناطق مختلف اجازه می‌دهد که در چارچوب قوانین ملی، سیاست‌های متناسب با نیازها و شرایط محلی خود را تدوین کنند. همچنین، شورای استان‌ها به عنوان یک نهاد مشورتی در سطح ملی عمل می‌کند و نقش مهمی در هماهنگی بین دولت مرکزی و دولت‌های منطقه‌ای دارد (ایساخان و مولهرین، ۲۰۲۰).

خط مشی گذاری سیاسی در عراق همچنین تحت تأثیر عوامل خارجی و روابط بین‌المللی است. عراق به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خود و وجود منابع نفتی غنی، همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی بوده است. روابط با کشورهای همسایه مانند ایران، ترکیه، و عربستان سعودی و همچنین با قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده و روسیه، بر سیاست گذاری داخلی و خارجی عراق تأثیرگذار است. سیاست‌مداران عراقی باید در تدوین سیاست‌ها، ملاحظات و فشارهای خارجی را نیز در نظر بگیرند. به همین دلیل، سیاست خارجی عراق به دنبال ایجاد تعادل و حفظ روابط مثبت با تمامی طرف‌ها است تا از ایجاد تنش‌های بیشتر جلوگیری کند و منافع ملی را حفظ نماید (حمید، ۲۰۲۰).

خط مشی گذاری فرهنگی

خط مشی گذاری به فرآیند طراحی و تدوین اصول، جهت‌گیری‌ها، و برنامه‌های کلان و راهبردی برای رسیدن به اهداف خاص در یک حوزه مشخص اطلاق می‌شود. این فرآیند معمولاً در سطوح دولتی یا سازمانی صورت می‌گیرد و شامل شناسایی مشکلات، ارزیابی گزینه‌های مختلف، اتخاذ تصمیمات، و نظارت بر اجرای آن‌ها است (صادقی، ۱۴۰۱). خط

مشی گذاری فرهنگی به فرآیند تدوین و طراحی سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات در حوزه فرهنگ و هنر برای تحقق اهداف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در یک جامعه اطلاق می‌شود. این نوع خط مشی گذاری به‌ویژه در کشورهایی که دارای تنوع قومی، دینی، و زبانی هستند، نقش بسیار مهمی در ایجاد همبستگی اجتماعی، حفظ هویت فرهنگی، و ارتقای فرهنگ عمومی ایفا می‌کند. فرآیند خط مشی گذاری فرهنگی شامل شناسایی مسائل فرهنگی جامعه، تحلیل نیازها و مشکلات فرهنگی، و تدوین راهکارهای مناسب برای ارتقای فرهنگ و هنر در سطح کلان است (فرامرزی و همکاران، ۱۳۹۷).

خط‌مشی گذاری فرهنگی به مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات گفته می‌شود که با هدف حفظ، توسعه و ترویج فرهنگ جامعه طراحی و اجرا می‌شوند. این خط‌مشی‌ها به تقویت هویت فرهنگی، ارتقای هنر و آموزش فرهنگی، حفظ میراث فرهنگی، و حمایت از زبان‌ها و ادبیات ملی می‌پردازند. از طریق این سیاست‌ها، دولت‌ها تلاش می‌کنند تا با ارائه منابع و ایجاد چارچوب‌هایی، از هنرها و صنایع خلاق، هنرمندان، نهادهای فرهنگی و تنوع فرهنگی در کشور حمایت کنند و حس تعلق به هویت فرهنگی را در بین افراد جامعه تقویت نمایند. این سیاست‌ها همچنین به عنوان ابزاری برای مدیریت تغییرات فرهنگی و پاسخ به چالش‌های ناشی از جهانی‌شدن، مهاجرت و فناوری عمل می‌کنند. خط‌مشی گذاری فرهنگی شامل برنامه‌های آموزشی، حمایت از رسانه‌ها، ترویج دیپلماسی فرهنگی و تقویت انسجام اجتماعی است. در نتیجه، خط‌مشی‌های فرهنگی نه تنها به حفظ و گسترش میراث فرهنگی کمک می‌کنند، بلکه به ایجاد جامعه‌ای پایدار و منسجم با هویتی روشن و ارزش‌های مشترک نیز یاری می‌رسانند (مهری و صمدزاده، ۱۴۰۰).

به طور کلی، خط‌مشی گذاری فرهنگی به مجموعه‌ای از سیاست‌ها و تصمیماتی گفته می‌شود که دولت‌ها و سازمان‌های عمومی برای حفظ، ترویج و توسعه فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی یک جامعه اتخاذ می‌کنند. این نوع خط‌مشی‌ها با هدف حمایت از تنوع فرهنگی، حفاظت از میراث فرهنگی، ترویج هنر و ادبیات، و ارتقای آگاهی و شناخت عمومی از هویت فرهنگی یک جامعه تنظیم می‌شوند. خط‌مشی گذاری فرهنگی به طور کلی به موارد زیر می‌پردازد:

حفظ و احیای میراث فرهنگی: یکی از اهداف اصلی خط‌مشی گذاری فرهنگی، محافظت و احیای میراث فرهنگی و تاریخی است که شامل آثار باستانی، بناهای تاریخی، هنرهای سنتی و دیگر نمادهای فرهنگی است. این اقدامات با هدف حفظ هویت فرهنگی

و انتقال آن به نسل‌های آینده صورت می‌گیرد و می‌تواند شامل قوانین حفاظتی برای آثار فرهنگی، موزه‌ها، آرشیوها و برنامه‌های بازسازی باشد (صافی و همکاران، ۱۴۰۱).

حمایت از هنر و صنایع خلاق: این بخش از خط‌مشی‌های فرهنگی بر تقویت هنرهای تجسمی، ادبیات، موسیقی، تئاتر، سینما و دیگر صنایع خلاق متمرکز است. دولت‌ها با ارائه حمایت‌های مالی، برگزاری جشنواره‌های هنری، ایجاد مراکز فرهنگی و تخصیص منابع به این بخش‌ها، به هنرمندان و صنعت‌گران کمک می‌کنند تا آثار جدید خلق کنند و فرهنگ جامعه را غنی‌تر سازند (سیاه‌منصوری و همکاران، ۱۴۰۱).

ارتقای آموزش و آگاهی فرهنگی: آموزش فرهنگی با هدف آشنایی مردم با فرهنگ ملی و جهانی، یکی از عناصر کلیدی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی است. برنامه‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها، برگزاری کارگاه‌ها، همایش‌ها و آموزش‌های عمومی، به ارتقای درک فرهنگی و شناخت ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی کمک می‌کند (انصاری و همکاران، ۱۴۰۰).

حمایت از زبان و ادبیات ملی: حفظ و ترویج زبان‌ها و گویش‌های محلی و ملی، بخشی از سیاست‌های فرهنگی است که بر تقویت و نگه‌داشتن هویت فرهنگی تاکید دارد. این خط‌مشی‌ها شامل آموزش زبان ملی، ترویج آثار ادبی، و حمایت از انتشارات و نویسندگان می‌شود (کمیلی فرد و همکاران، ۱۳۹۶).

تقویت هویت ملی و انسجام اجتماعی: یکی از اهداف خط‌مشی‌های فرهنگی، تقویت هویت ملی و ایجاد حس تعلق به جامعه است. دولت‌ها از طریق ترویج فرهنگ ملی، نمادهای فرهنگی مشترک و ارزش‌های مشترک جامعه، سعی دارند همبستگی و انسجام اجتماعی را تقویت کنند و از پراکندگی فرهنگی و اختلافات اجتماعی جلوگیری نمایند (سیاه‌منصوری و همکاران، ۱۴۰۱).

ترویج و حفظ تنوع فرهنگی: در جوامعی که تنوع فرهنگی و قومی وجود دارد، خط‌مشی‌های فرهنگی بر ترویج و حمایت از این تنوع تمرکز می‌کنند تا تمام گروه‌های فرهنگی احساس کنند که به رسمیت شناخته می‌شوند. این سیاست‌ها می‌توانند شامل حفظ زبان‌ها، مراسم و جشن‌های بومی و قومیتی و حمایت از اقلیت‌های فرهنگی باشند (صافی و همکاران، ۱۴۰۱).

گسترش دیپلماسی فرهنگی: دیپلماسی فرهنگی یکی از ابزارهای خط‌مشی فرهنگی برای ایجاد ارتباط و تفاهم بین‌المللی است. این خط‌مشی شامل برنامه‌هایی برای تبادل

فرهنگی، اعزام هنرمندان به کشورهای دیگر، همکاری‌های هنری و فرهنگی و شرکت در نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های بین‌المللی است که به معرفی فرهنگ و هنر ملی در سطح جهانی کمک می‌کند (سیاه منصوری و همکاران، ۱۴۰۱).

رسانه و ارتباطات فرهنگی: رسانه‌ها نقش مهمی در شکل‌دهی و گسترش فرهنگ دارند. در خط‌مشی‌های فرهنگی، رسانه‌ها به عنوان ابزارهایی برای ترویج ارزش‌های فرهنگی، آموزش عمومی و ترویج آگاهی فرهنگی مورد توجه قرار می‌گیرند. سیاست‌های فرهنگی در این بخش شامل تنظیم محتوا و برنامه‌های رسانه‌ای، حمایت از تولید محتوای فرهنگی و ترویج فرهنگ از طریق رسانه‌های اجتماعی است (کمیلی فرد و همکاران، ۱۳۹۶).

مدیریت چالش‌های فرهنگی: خط‌مشی‌گذاری فرهنگی به مدیریت چالش‌هایی می‌پردازد که ممکن است از جهانی‌شدن، تغییرات اجتماعی، مهاجرت و پیشرفت‌های فناورانه ناشی شود. هدف این بخش از سیاست‌های فرهنگی، حفظ هویت فرهنگی در برابر تغییرات سریع و تأثیرات فرهنگی جهانی است. خط‌مشی‌گذاری فرهنگی به دولت‌ها و نهادهای عمومی کمک می‌کند تا ارزش‌های فرهنگی جامعه را حفظ کرده و زمینه‌های لازم برای رشد و توسعه فرهنگی را فراهم آورند. این سیاست‌ها با تمرکز بر آموزش، حمایت از هنرها، تقویت هویت ملی، تنوع فرهنگی و توسعه دیپلماسی فرهنگی، به دنبال ساخت جامعه‌ای با هویت فرهنگی قوی و متنوع هستند (صافی و همکاران، ۱۴۰۱).

مؤلفه‌های سیاسی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی

مؤلفه‌های سیاسی به عواملی اشاره دارند که بر قدرت، حکومت، سیاست‌گذاری‌ها و روابط درون یا میان جوامع تأثیر می‌گذارند. این مؤلفه‌ها شامل نظام‌های حکومتی، قوانین، سیاست‌های عمومی، ایدئولوژی‌ها، و روابط بین‌الملل هستند (کاثم، ۲۰۲۰). در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، مؤلفه‌های سیاسی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند؛ زیرا خط‌مشی فرهنگی همواره در بستری سیاسی و تحت تأثیر اهداف، رویکردها و منافع بازیگران سیاسی شکل می‌گیرد. در این زمینه، مؤلفه‌های اصلی سیاسی که در تدوین و اجرای خط‌مشی فرهنگی مؤثر هستند به شرح زیر می‌باشند:

ایدئولوژی سیاسی دولت: ایدئولوژی و جهان‌بینی دولت نقش محوری در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی دارد. دولتی با نگرش محافظه‌کارانه ممکن است تأکید بیشتری بر حفظ سنت‌ها و هویت ملی داشته باشد و تلاش کند ارزش‌های فرهنگی گذشته را حفظ کرده و تقویت کند. از سوی دیگر، دولت‌های لیبرال یا ترقی‌خواه بیشتر به پذیرش تنوع

فرهنگی، ترویج آزادی بیان و پشتیبانی از تنوع فرهنگی در جامعه اهمیت می‌دهند. این ایدئولوژی‌ها بر نوع حمایت و اولویت‌های فرهنگی در برنامه‌های دولتی تأثیر می‌گذارند و به نحوی بازتاب‌دهنده نگرش کلان دولت به موضوعات فرهنگی هستند. ایدئولوژی سیاسی دولت در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی به عنوان یکی از مؤثرترین عوامل در تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی شناخته می‌شود. ایدئولوژی سیاسی مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و آرمان‌های سیاسی دولت است که نگاه دولت به فرهنگ و چگونگی شکل‌دهی به ساختارهای فرهنگی و ارزشی جامعه را تعیین می‌کند. این ایدئولوژی بر رویکرد دولت نسبت به مسائلی مانند هویت فرهنگی، تنوع فرهنگی، آزادی بیان و رابطه دولت با گروه‌های فرهنگی اثر می‌گذارد. به همین دلیل، خط‌مشی‌های فرهنگی دولتی می‌تواند به طرز چشمگیری بازتاب‌دهنده ایدئولوژی سیاسی حاکم باشد، به خصوص در شرایطی که دولت به دنبال تقویت هویت ملی و ترویج ارزش‌های خاصی است (میلز، ۲۰۲۰).

روابط بین‌المللی و سیاست خارجی: سیاست خارجی و روابط بین‌المللی دولت بر جهت‌گیری‌های فرهنگی و هنری در داخل و خارج از کشور تأثیرگذار است. برنامه‌های تبادل فرهنگی، اعزام هنرمندان به کشورهای مختلف و مشارکت در رویدادهای بین‌المللی، همگی بخشی از دیپلماسی فرهنگی کشورهاست. دیپلماسی فرهنگی می‌تواند به تقویت هویت ملی در سطح بین‌المللی و ایجاد تصویر مثبتی از کشور در میان سایر کشورها منجر شود. به عنوان مثال، کشوری که روابط نزدیکی با کشورهای دیگر برقرار کرده، از طریق تبادلات فرهنگی، به ترویج هویت و ارزش‌های فرهنگی خود می‌پردازد و حتی ممکن است از فرهنگ خود به عنوان ابزاری برای نفوذ نرم استفاده کند. روابط بین‌المللی و سیاست خارجی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی نقش مهمی ایفا می‌کنند و تأثیر زیادی بر جهت‌گیری‌ها و اولویت‌های فرهنگی دولت‌ها دارند. در دنیای امروز که جهانی‌سازی به سرعت در حال گسترش است، سیاست‌های فرهنگی دولت‌ها دیگر به مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌شوند. کشورهای مختلف با بهره‌گیری از قدرت نرم خود از طریق دیپلماسی فرهنگی، تلاش می‌کنند که هویت و ارزش‌های فرهنگی خود را در عرصه بین‌المللی معرفی و ترویج دهند. به همین دلیل، خط‌مشی‌های فرهنگی دولت‌ها اغلب تحت تأثیر روابط دیپلماتیک و تعاملات بین‌المللی شکل می‌گیرند، به خصوص در کشورهای دارای روابط فرهنگی و اقتصادی گسترده با دیگر کشورها (کامیون و انگلند، ۲۰۲۰).

نقش گروه‌های ذی‌نفوذ و لابی‌های فرهنگی: گروه‌های ذی‌نفوذ، از جمله نهادهای فرهنگی، هنرمندان، اتحادیه‌ها، انجمن‌های مذهبی و قومیتی، نقش مهمی در جهت‌دهی به خط‌مشی‌های فرهنگی دارند. این گروه‌ها می‌توانند از طریق لابی‌گری و ارتباط با سیاست‌مداران، برای جلب توجه به اولویت‌های فرهنگی خاص تلاش کنند. فشار این گروه‌ها بر سیاست‌مداران، ممکن است به اختصاص بودجه یا تصویب قوانینی برای حمایت از پروژه‌های فرهنگی مشخص منجر شود. نقش این گروه‌های ذی‌نفوذ به خصوص در کشورهایی که نظام سیاسی چندصدایی دارند، بیشتر به چشم می‌آید، زیرا امکان اثرگذاری بر تصمیمات دولت از طریق مذاکره و تعامل فراهم‌تر است. گروه‌های ذی‌نفوذ و لابی‌های فرهنگی نقش برجسته‌ای در فرآیند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی دارند. این گروه‌ها می‌توانند بر تصمیم‌گیری‌های دولت‌ها در عرصه فرهنگ تأثیر بگذارند و اغلب به‌عنوان بازیگران مهم در تعیین اولویت‌ها و سیاست‌های فرهنگی شناخته می‌شوند. گروه‌های ذی‌نفوذ شامل نهادها و افرادی هستند که دارای قدرت اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی هستند و می‌توانند با استفاده از منابع خود تأثیر زیادی بر جهت‌گیری‌های فرهنگی داشته باشند. لابی‌ها به‌ویژه در دموکراسی‌ها و کشورهایی که فرآیند خط‌مشی‌گذاری به‌صورت شفاف و عمومی است، نقشی مهم در تأثیرگذاری بر سیاست‌های فرهنگی ایفا می‌کنند. این گروه‌ها معمولاً از قدرت مالی، روابط سیاسی و شبکه‌های اجتماعی خود برای پیشبرد منافع فرهنگی خاص خود استفاده می‌کنند (میلز، ۲۰۲۰).

مشارکت اجتماعی و حمایت عمومی: سطح مشارکت عمومی و خواست مردم در زمینه‌های فرهنگی، نقش مهمی در موفقیت خط‌مشی‌های فرهنگی دارد. وقتی عموم مردم از یک سیاست فرهنگی حمایت می‌کنند، احتمال بیشتری وجود دارد که آن سیاست با موفقیت اجرا شود. دولت‌ها در تلاش هستند تا از طریق بررسی دیدگاه‌ها و نظرات مردم در مورد موضوعات فرهنگی، از این حمایت بهره‌مند شوند. مشارکت عمومی می‌تواند به صورت مستقیم (از طریق نظرسنجی‌ها، کارگروه‌های فرهنگی و...) و یا غیرمستقیم (از طریق اثرگذاری بر رسانه‌ها و فضای مجازی) بر فرآیند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی تأثیر بگذارد. مشارکت اجتماعی و حمایت عمومی از ارکان اساسی در فرآیند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی هستند. این مشارکت می‌تواند تأثیرات عمیقی بر سیاست‌های فرهنگی و رویکردهای دولت‌ها در تنظیم و اجرا و پیگیری خط‌مشی‌های فرهنگی داشته باشد. مشارکت اجتماعی به معنای دخالت و همکاری فعال گروه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و حرفه‌ای در فرآیند

طراحی و اجرای سیاست‌های فرهنگی است. این مشارکت، به‌ویژه در جوامع دموکراتیک و باز، موجب ایجاد شفافیت و اعتماد عمومی در فرآیند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی می‌شود. هنگامی که مردم و گروه‌های اجتماعی در طراحی و ارزیابی سیاست‌های فرهنگی دخیل باشند، خط‌مشی‌های فرهنگی به‌طور طبیعی بیشتر به نیازها و خواسته‌های جامعه پاسخ می‌دهند و احتمال موفقیت آنها افزایش می‌یابد (فانکورت و فین، ۲۰۱۹).

نقش نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای: سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسکو، اتحادیه‌های منطقه‌ای و سازمان‌های غیرانتفاعی جهانی نیز بر سیاست‌های فرهنگی تأثیرگذار هستند. این نهادها با ارائه استانداردها و راهنماهای سیاست‌گذاری، یا برگزاری کنفرانس‌ها و پروژه‌های مشترک، به توسعه سیاست‌های فرهنگی در کشورهای مختلف کمک می‌کنند. تأثیر این نهادها به‌ویژه در کشورهایی که خواستار بهبود جایگاه فرهنگی خود در سطح بین‌المللی هستند، قابل توجه است. نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای نقش بسیار مهمی در فرآیند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی دارند. این نهادها با تأثیرگذاری بر سیاست‌های فرهنگی دولت‌ها و با فراهم‌آوری فضاها برای همکاری و تبادل فرهنگی، به شکل‌گیری و اجرای سیاست‌های فرهنگی کمک می‌کنند. نهادهایی مانند یونسکو، اتحادیه اروپا، سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای می‌توانند با تدوین دستورکارهای فرهنگی و ارائه چارچوب‌های سیاستی، راه‌حلی برای چالش‌های فرهنگی جهانی و منطقه‌ای ارائه دهند. این نهادها همچنین از طریق تصویب توافق‌نامه‌ها و کنوانسیون‌ها، الزامات و استانداردهایی را برای کشورهای مختلف تعیین می‌کنند که به شکل‌گیری سیاست‌های فرهنگی مشترک و هماهنگ در سطح بین‌المللی کمک می‌کند (صادقی، ۱۴۰۱).

مدیریت تعارضات فرهنگی داخلی: در کشورهایی با تنوع فرهنگی بالا، مسائل و تعارضات فرهنگی یکی از چالش‌های سیاسی در سیاست‌گذاری فرهنگی است. دولت‌ها ممکن است از خط‌مشی‌های فرهنگی برای مدیریت تعارضات بین گروه‌های قومی، زبانی یا مذهبی استفاده کنند. در چنین شرایطی، سیاست‌گذاران تلاش می‌کنند با تدوین و اجرای سیاست‌هایی که تنوع و چندگانگی فرهنگی را ترویج می‌دهند، از بروز و تشدید تنش‌ها جلوگیری کنند. مدیریت تعارضات فرهنگی داخلی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی یکی از جنبه‌های مهم در فرآیند سیاست‌گذاری است که به‌ویژه در جوامع چندفرهنگی و متنوع اهمیت زیادی دارد. در این جوامع، تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی، قومی و اجتماعی می‌توانند منجر به تضاد و اختلاف‌نظرهایی شوند که نیازمند مدیریت دقیق و موثر هستند. این

تعارضات ممکن است در سطح فردی، گروهی یا حتی میان نهادهای مختلف دولتی و غیر دولتی بروز کنند. در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، هدف اصلی مدیریت این تعارضات، ایجاد توازن میان حقوق و نیازهای گروه‌های مختلف فرهنگی و حفظ همبستگی اجتماعی است (انصاری و همکاران، ۱۴۰۰).

منابع مالی و بودجه‌ریزی دولتی: میزان بودجه‌ای که دولت برای برنامه‌های فرهنگی اختصاص می‌دهد، به روشنی نشانگر اولویت‌های سیاسی در زمینه فرهنگ است. کشورها بر اساس دیدگاه‌های سیاسی و میزان بودجه خود، تصمیم می‌گیرند که چه بخش‌هایی از فرهنگ را تقویت کنند و به چه میزان. سیاست‌گذاری فرهنگی به طور معمول وابسته به منابع مالی است و تخصیص مناسب منابع می‌تواند به اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های فرهنگی کمک کند. منابع مالی و بودجه‌ریزی دولتی نقش بسیار مهمی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی دارند. سیاست‌های فرهنگی در بسیاری از کشورها بدون تخصیص منابع مالی مناسب، نمی‌توانند به مرحله اجرا برسند یا تأثیرات مطلوب خود را داشته باشند. دولت‌ها برای اجرای برنامه‌های فرهنگی خود به بودجه نیاز دارند که شامل تأمین مالی برای پروژه‌ها و نهادهای مختلف فرهنگی، حمایت از رویدادهای هنری و فرهنگی، تأسیس مراکز فرهنگی و فراهم آوردن منابع آموزشی است. تخصیص منابع به‌طور کارآمد و بهینه می‌تواند موفقیت یا شکست یک سیاست فرهنگی را رقم بزند. در این راستا، یکی از اصلی‌ترین چالش‌ها، تأمین مالی کافی و تخصیص آن به‌طور عادلانه و مؤثر در بین حوزه‌های مختلف فرهنگی است (انصاری و همکاران، ۱۴۰۰).

پیشینه پژوهش

کاظم (۲۰۲۲) در پژوهش خود با عنوان «نابپوستگی فرهنگی، مسیرهای سیاسی و دولت در عراق پس از ۲۰۰۳» بیان کرد: تداوم فرهنگی و مسیرهای سیاسی دولت‌ها کاملاً در هم تنیده شده‌اند. آنچه برای نهادهای دولتی اتفاق می‌افتد، چگونگی دگرگونی آنها از طریق مداخلات بازیگران خارجی و داخلی، میراث و تداوم آن را به روش‌های بی‌شماری تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مقاله به میراث در رابطه با وضعیت و مکان‌های قدرت از منظر تداوم فرهنگی می‌پردازد که می‌تواند چشم‌اندازی ظریف‌تر و تاریخی‌تر از حوزه میراث را در موقعیت‌های تغییر، دگرگونی و تضاد ارائه دهد. این بررسی پیامدهای نظام سیاسی عراق را بر اساس سهمیه‌های سیاسی نصب شده تحت اشغال عراق، که در آن نهادهای دولتی، از جمله نهادهای میراث، به عنوان درآمدهای بادآورده انتخاباتی به گروه‌های سیاسی رقیب

تخصیص داده می شوند، بررسی می کند. بی نظمی نهادی متعاقب، فقدان حاکمیت متمرکز و تعدد ساختارهای قدرت با هم تداخل دارند که بر شرایط میراث عراق تأثیر مخربی گذاشته است. مداخلات میراث بین‌المللی نیز در مواجهه با آسیب فاجعه‌باری که از سال ۲۰۰۳ به این بخش وارد شده تا حد زیادی بی‌اثر بوده است.

حداد (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان «از مبارزه وجودی تا ابتدال سیاسی: سیاست فرقه در عراق پس از سال ۲۰۰۳» بیان کرد: این مقاله بر مورد عراق پس از سال ۲۰۰۳ تمرکز دارد تا سیر تحول سیاست فرقه بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۸ به ویژه با اشاره به مقوله‌های هویتی سنی و شیعه را ترسیم کند. به طور خاص تر، تغییرات در تفرقه اجتماعی، سودمندی سیاسی، و عمق درک شده از شکاف سنی و شیعه را بررسی می کند. آنچه پدیدار می شود یک محیط توانمند تغییر یافته تدریجی با مجموعه‌ای از ساختارهای انگیزشی در حال تغییر است که برجستگی سیاسی هویت فرقه‌ای را بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۸ کاهش داده است. بسط، پارامترهای سیاست انتخاباتی.

کاظمی (۱۴۰۲) در پژوهش خود با عنوان «ارائه الگوی خط مشی گذاری در فرهنگ مطلوب» بیان کردند: بر این باوریم که سرعت تحولات و پیچیدگی شرایط اجتماعی و فرهنگی جوامع، ضرورت خط مشی گذاری در سطح عمومی و سازمان‌ها را بیش از گذشته آشکار می سازد، در این میان توجه و اجرای فرایند خط مشی‌ها بسیار تعیین کننده است. مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پیچیده‌ای اطراف ما را گرفته است و سرعت تحولات و تغییرات محیطی بیشتر از آن است که به تصور در آید. پیچیدگی و تحول و سرعت به همراه ارتباطات جهانی که امروزه کشورها را در می‌نوردد. خط مشی‌گذاران با مسئولیتی خطیر روبرو ساخته است، آنان برای تصمیم‌گیری در چنین فضائی باید مجهز به ابزارها و شیوه‌های جدید باشند. و برای تحقق این هدف باید دانش جدیدی را در خط مشی گذاری بنیاد گذارند.

صافی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان «الگوی تعیین مسائل در فرآیند خط مشی‌گذاری سازمان‌های فرهنگی بخش عمومی مطالعه موردی: سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان» بیان کردند: مسئله عبارت است از تفاوتی که میان وضع موجود و وضع مطلوب امور وجود دارد. اما اساساً چه اتفاقی رخ می‌دهد که ما در مواجهه با یک پدیده می‌گوییم این «مسئله»ی ماست؟ مطالعه ادبیات علمی کشور، فقدان بررسی‌های نظری و در عین حال ناظر به عمل و واقعیت در زمینه‌ی مسئله‌شناسی فرهنگی

را نشان می‌دهد و یک موضوع و یا رخداد فرهنگی بیش از آن که از دریچه‌ی یک الگوی دقیق رد شود و به مسأله‌ی فرهنگی تبدیل شود، از دالان برداشت‌ها و علائق شخصی فرد خط‌مشی‌گذار می‌گذرد و شکل مسأله‌ی فرهنگی به خود می‌گیرد. بدین منظور، این تحقیق با مطالعه موردی یکی از سازمان‌های فرهنگی بخش عمومی کشور و با استفاده از روش تحلیل مضمون، نمونه‌ای از الگوی مفهومی مسئله‌شناسی را پیشنهاد داده است. این الگوی سه وجهی نشان می‌دهد در این سازمان فرهنگی نوع نگاه به مسائل فرهنگی چگونه شکل می‌گیرد.

شعرا و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان «تاثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و خط‌مشی‌گذاری دولتی ایران» بیان کردند: در دولت‌های ایران، تصمیم‌گیری‌های سیاسی و خط‌مشی‌گذاری تحت تاثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی قرار دارند. نتیجه‌گیری نشان می‌دهد که عوامل فرهنگی و اجتماعی به طور مستقیم تاثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌های دولتی هستند و توصیه‌هایی برای مطالعات آتی ارائه می‌شود.

انصاری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود با عنوان «ارائه الگوی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی با رویکرد تحول (مورد مطالعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران)» بیان کردند: خط‌مشی‌گذاری برای تحقق اهداف سازمانی، بخشی، فرابخشی و ملی بسیار مهم و تعیین‌کننده است. مقوله‌های تحقیق از مبانی نظری و متون در دسترس استخراج و کدگذاری شده و با نظر ۱۰ نفر از خبرگان فرهنگی شامل مدیران، کارشناسان و اساتید دانشگاه مورد تأیید قرار گرفته است و تحلیل این داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی نشان می‌دهد که خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در راستای تحول فرهنگی در آموزش عالی به عنوان مقوله محوری در مدل تحقیق، به همراه مقوله‌های زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها، الگوی خط‌مشی‌گذاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران را تبیین می‌کند. نتایج پژوهش حاضر علاوه بر ترسیم الگوی خط‌مشی‌گذاری در سازمان مورد اشاره، فرایند خط‌مشی‌گذاری در آموزش عالی ایران را نیز واکاوی و تبیین می‌نماید.

کائور و کانگ (۲۰۲۳) در پژوهش خود با عنوان «درک خط‌مشی‌های سازمانی، پنهان‌سازی دانش و خلاقیت کارمندان: نقش واسطه‌ی تعهد حرفه‌ای» بیان کردند: در این مقاله، به بررسی روابط بین سیاست‌های سازمانی درک شده، پنهان‌سازی دانش و خلاقیت کارمند

می پردازیم. نتایج پژوهش نشان می دهد که سیاست های سازمانی درک شده به صورت مثبتی پنهان سازی دانش را پیش بینی می کنند که به نوبه خود به صورت منفی خلاقیت کارمند را نیز پیش بینی می کنند. علاوه بر این، تعهد حرفه ای ارتباط مثبت بین سیاست های سازمانی درک شده و پنهان سازی دانش کاهش می دهد. ما با کمک بررسی منابع سعی در نشان دادن این موضوع کردیم که سیاست های سازمانی درک شده دارای اثرات منفی بر خلاقیت کارمند به طور مستقیم و همچنین به طور غیرمستقیم از طریق اثر آن بر رفتارهای پنهان سازی دانش می باشند.

گیست (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان «کلان داده در خط مشی گذاری: محو و نابودی یا احتمال ترقی» بیان کردند: وقتی نوبت به سیاست گذاری می رسد، هیاهوی پیرامون کلان داده ها در اشکال مختلف نظری و عملی شکل گرفته است. این مقاله جریان های تحقیقاتی فعلی را با بحث های طولانی مدت در مورد دولت و فناوری در سیاست گذاری عمومی و مدیریت عمومی، مانند دولت الکترونیک و سیاست گذاری مبتنی بر شواهد ترکیب می کند. هدف پاسخ به این سوال است که آیا کلان داده یک روند زودگذر است یا اثرات طولانی مدت بر سیاست گذاری دارد. سه موضوع بزرگتر در ادبیات شناسایی شده است: اول، نقشی که ظرفیت نهادی در داخل دولت برای استفاده از تجزیه و تحلیل داده های بزرگ دارد. دوم، استفاده دولت از تجزیه و تحلیل داده های بزرگ در زمینه خدمات عمومی دیجیتال. و در نهایت، روشی که اطلاعات کلان داده با تمرکز بر ابزارهای سیاست اساسی و رویه ای وارد چرخه سیاست گذاری می شود. نمونه هایی از حوزه آموزش، مدیریت بحران، محیط زیست و مراقبت های بهداشتی فرصت ها و چالش های هر یک از این موضوعات را برجسته می کند.

روش شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش های آمیخته با رویکردی اکتشافی استفاده شده است. منطق زیربنایی یک تحقیق آمیخته اکتشافی آن است که یافته های بخش نخست (کیفی) می تواند به رشد و گسترش پژوهش کمک کند و راهنمای بخش دوم (کمی) باشد. طرح اکتشافی نیز مانند طرح پژوهش تبیینی دارای رویکرد دمرحله ای است. از آنجا که ماهیت بسیاری از پدیده ها نامکشوف و بسیار پیچیده است باید با روش های اکتشافی به تحقیق پرداخت. در فاز نخست باید با جنبه ها و ابعاد نامعلوم پدیده مورد مطالعه را شناسایی کرد. این فاز با

روش‌های کیفی و با ابزار مصاحبه انجام می‌شود. در فاز دوم نیز باید رتبه بندی ابعاد شناسایی شده انجام گیرد. این فاز با روش‌های کمی انجام می‌شود.

جامعه آماری تحقیق در بخش کیفی مدیران سازمان‌های دولتی عراق می‌باشد. نمونه-گیری گلوله‌برفی یا زنجیره‌ای یعنی انتخاب شرکت‌کنندگانی که به نحوی با یکدیگر پیوند دارند و پژوهشگر را به دیگر افراد همان جامعه راهنمایی می‌کنند. به بیان دیگر، در مصاحبه، ابتدا با ۱۰ نفر از اشخاص صاحب‌نظر و دارای تحصیلات و تجربه کافی مرتبط با موضوع، انتخاب شدند و در پایان مصاحبه از آنها درخواست شد که سایر افراد مطلع و صاحب‌نظر در خصوص موضوع پژوهش را معرفی نمایند و یا در مواردی که برای تکمیل مدل و خلق نظریه، در زمینه خاصی نیاز به دریافت نظرات اشخاص با تجارب خاص بود، از مصاحبه‌شوندگان درخواست شد تا افراد صاحب‌نظر با تجارب متناسب را معرفی نمایند. با توجه به توضیحات فوق، به منظور غنای پژوهش، تلاش شد تا با افرادی که شخصاً موضوع پژوهش را تجربه کرده‌اند و از دانش و تجربه بالایی در این زمینه برخوردار هستند، مصاحبه صورت گیرد. در این مرحله از خبرگان و متخصصان بهره گرفته شد تا مصاحبه‌ها از اعتبار مناسبی برخوردار باشد.

گردآوری داده‌های پژوهش: در بخش کیفی این پژوهش از روش مصاحبه برای شناسایی مولفه‌ها و در بخش کمی از پرسشنامه جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده خواهد شد. با توجه به اینکه ماهیت اکتشافی پژوهش کیفی، اقتضاء می‌کند که پژوهشگر انعطاف-پذیری لازم برای کاوش موضوعات غیرمنتظره و تازه را در طول پژوهش داشته باشد، اما چارچوب کلی مصاحبه‌ها تا حدودی از قبل مشخص می‌شود. با این وجود، نهایت تلاش باید صورت گیرد که در موارد نیاز، انعطاف‌پذیری لازم برای پیگیری دیدگاه‌های مصاحبه-شوندگان و جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر آنها وجود داشته باشد. در بخش ابزار تحقیق، برای رتبه‌بندی عوامل شناسایی شده از آزمون فریدمن استفاده خواهد شد. این روش به منظور تحلیل و اولویت‌بندی عوامل بر اساس نظرات جمع‌آوری شده از جامعه آماری به کار می‌رود و امکان مقایسه میانگین رتبه‌ها را برای تعیین اهمیت نسبی هر عامل فراهم می‌کند. در بخش ابزار تحقیق، از پرسشنامه به‌عنوان ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها استفاده می‌شود. پس از گردآوری داده‌ها، برای رتبه‌بندی عوامل شناسایی شده از آزمون فریدمن استفاده خواهد شد تا اولویت و اهمیت نسبی هر عامل مشخص شود.

بررسی روایی و پایایی ابزار پژوهش: همواره دو معیار اصلی روایی و پایایی برای ارزیابی پژوهش‌های کمی و کیفی مطرح گردیده است. با وجود این، کوربین و استراوس (۲۰۰۸) با بکارگیری این دو معیار برای پژوهش‌های کیفی مخالفت ورزیده و معیار مقبولیت را پیشنهاد داده‌اند. مقبولیت بدین معنی است که یافته‌های تحقیق تا چه حد در انعکاس تجارب مشارکت‌کنندگان، محقق و خواننده در رابطه با پدیده مورد مطالعه موثق و قابل باور است؛ به منظور ارزیابی کیفیت پژوهش‌های مبتنی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیان (و همچنین دیگر پژوهش‌های کیفی)، کوربین و استراوس ۱۰ شاخص مقبولیت را معرفی کرده‌اند که بر مبنای آن پژوهش حاضر ارزیابی شد.

اجماع داده‌ها یعنی استفاده از منابع چندگانه داده‌ها، مانند گردآوری داده‌ها از گروه‌های مختلف، محیط‌های مختلف، یا در زمان‌های مختلف. بطور کلی، زمانی که برای گردآوری داده‌ها از بیش از یک دیدگاه استفاده می‌شود، تصویر کاملتری به دست خواهد آمد. در این تحقیق به منظور تدوین مدلی جامع برای ارزش‌گذاری منابع انسانی تلاش شد تا دیدگاه‌ها و نظرات گروه‌های مختلف شامل اشخاص با سابقه فعالیت در محیط آموزشی دانشگاه گذاشته شده است و بررسی و تحلیل می‌گردد. کنترل اعضا یا اعتبار پاسخگو تکنیکی است که بدان وسیله محقق مفروضات خود را با یک یا چند نفر از افراد مطلع تحت بررسی کنترل می‌کند و این تکنیک جهت تأیید تفاسیر پژوهشگر به کار می‌رود. در این روش پژوهشگر از دیدگاه مشارکت‌کنندگان و افراد مطلع، برای برقرار ساختن اطمینان‌پذیری یافته‌ها و تفاسیر استفاده می‌کند، این فن را مهم‌ترین فن برای ایجاد اطمینان‌پذیری می‌دانند (کرسول، ۲۰۰۷).

تعیین روایی محتوای یک آزمون از قضاوت در این باره که سوال‌های آزمون تا چه اندازه معرف محتوا و هدف‌های برنامه یا حوزه محتوایی است استفاده می‌شود. بر این اساس پرسشنامه این پژوهش جهت بررسی صحت و سقم سولات و تایید روایی محتوای آن در اختیار صاحب‌نظران و خبرگان قرار گرفت و اصلاحات لازم اعمال گردید. برای تعیین روایی سازه از روش همسانی درونی استفاده می‌شود. یکی از روش‌های تعیین ابعاد سازه روش همسانی درونی است در این روش، ساخت درون آزمون بررسی می‌شود ملاک مورد استفاده برای همسانی درونی نمره کل آزمون است. روش معمول برای این سنجش بدین

¹ Member checking

صورت است که همبستگی بین نمرات آزمون‌های فرعی با نمره کل آزمون محاسبه می‌شود، و هریک از این آزمون‌های فرعی که با نمره کل آزمون همبستگی کمی دارد از آزمون حذف میگردد. لازم به ذکر است خرده آزمون‌ها نباید با یکدیگر همبستگی زیاد داشته باشد، زیرا در چنین حالتی فرض می‌شود که همه آنها یک چیز را اندازه می‌گیرند و تکراری هستند. در این روش، به جای خرده آزمون‌ها، از ماده‌ها یا سوالات آزمون نیز می‌توان استفاده نمود. در این صورت، همبستگی میان ماده‌های آزمون با کل آزمون و با یکدیگر مقایسه می‌شود.

در این پژوهش برای به دست آوردن پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است پرسشنامه‌ها بین تعداد ۵۰ نفر توزیع شد و از این تعداد ۳۵ مورد آن جمع‌آوری گردید و مقدار محاسبه شده آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۶ به دست آمد لذا می‌توان نتیجه گرفت که قابلیت اعتماد پرسشنامه تحقیق در حد قابل قبولی است. هرچه این شاخص به یک نزدیک‌تر شود به معنی همبستگی درونی بالاتر و همگن‌تر بودن پرسش‌ها خواهد بود. تعیین روایی پرسشنامه‌ها بر اساس تاییدیه ادبیات و نظرات خبرگان می‌باشد که با توجه به نظرات جمع‌آوری شده روایی پرسشنامه نیز تایید گردید.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها: در راستای برآوردن این نیاز استفاده از طرح تحقیق آمیخته اکتشافی رایج شده است. طرح تحقیق آمیخته اکتشافی از دو مرحله تشکیل شده است. با تحلیل داده‌های گردآوری شده از مصاحبه پژوهشگر می‌تواند مقوله‌های زیربنایی پدیده را شناسایی کند. مقوله‌ها خود می‌توانند به مقوله‌های اصلی و فرعی تقسیم شوند. در گام دوم باید الگوی روابط علی مقوله‌ها شناسایی شود. پژوهشگر در مرحله دوم به گردآوری داده‌های کمی می‌پردازد. در این مرحله باید ابزار گردآوری داده‌های کمی (پرسشنامه) طراحی شود. سپس به انتخاب نمونه‌ای تصادفی از میان جامعه‌ای پرداخته می‌شود. سپس با گردآوری و تحلیل داده‌ها به اعتبارسنجی مدل می‌پردازد. پس از آن پژوهشگر بر اساس نتایج به دست آمده امکان تعمیم یافته‌ها را فراهم می‌آورد. در این پژوهش برای بخش کمی از آزمون فریدمن استفاده خواهد شد. آزمون فریدمن یک روش آماری ناپارامتریک است که برای مقایسه میانگین رتبه‌های چند گروه وابسته یا متغیرهای مرتبط به کار می‌رود. این آزمون زمانی استفاده می‌شود که داده‌ها به صورت رتبه‌بندی شده باشند و هدف تعیین اختلاف معنادار بین متغیرها یا عوامل مختلف باشد. کاربرد اصلی آن در شرایطی است که داده‌ها از یک نمونه ثابت جمع‌آوری شده و برای چند متغیر یا عامل

مختلف رتبه‌بندی شده‌اند. این آزمون می‌تواند تفاوت میان متغیرها را بررسی کرده و به اولویت‌بندی یا تعیین اهمیت نسبی آن‌ها کمک کند. برای اجرای آزمون فریدمن، ابتدا داده‌ها از طریق ابزارهایی مانند پرسشنامه جمع‌آوری می‌شوند، به طوری که هر پاسخ‌دهنده رتبه‌ای را به عوامل مختلف اختصاص می‌دهد. سپس، با استفاده از رتبه‌های داده‌شده، میانگین رتبه‌ها برای هر عامل محاسبه می‌شود. آزمون فریدمن بررسی می‌کند که آیا این میانگین رتبه‌ها تفاوت معناداری دارند یا خیر. در صورتی که نتیجه آزمون معنادار باشد، نشان‌دهنده اختلاف میان عوامل بوده و می‌توان آن‌ها را بر اساس اولویت مرتب کرد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

بخش کیفی

این پژوهش جزو پژوهش‌های استقرایی می‌باشد زیرا با انجام تحلیل مضمون و کدگذاری از نتایج جزئی به نتایج کلی می‌رسیم. در این رویکرد، محتوا بررسی می‌شود و قالب یا قالب‌هایی به ذهن می‌آیند (کد) و سپس در صورت برخورداری از فراوانی لازم، پذیرفته می‌شوند. اگر این کدها با هم ارتباط داشته باشند یک کد یا عنوان مضمون پایه می‌گیرد. در این بخش با استفاده از متن مصاحبه‌ها ابتدا کدگذاری اولیه بر روی مصاحبه‌های پژوهش انجام شد.

جدول ۱: نمونه‌ای از کدگذاری اولیه پژوهش

سوال	متن مصاحبه	کد مفهومی
۱	نظام سیاسی فدرالی عراق یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌هایی است که بر خط‌مشی‌گذاری فرهنگی تأثیر می‌گذارد. توزیع قدرت میان دولت مرکزی و استان‌ها باعث شده که سیاست‌های فرهنگی به صورت غیرمتمرکز اجرا شوند. همچنین تنوع قومی، مذهبی و زبانی کشور، که پایه‌گذار چندگانگی فرهنگی است، تدوین سیاست‌های یکپارچه را دشوار می‌سازد. نقش برجسته احزاب سیاسی و نفوذ آن‌ها در نهادهای دولتی نیز بر اولویت‌بندی‌های فرهنگی تأثیر مستقیم دارد	تأثیر نظام فدرالی سیاست‌های غیرمتمرکز تنوع قومی و مذهبی
	یکی از مؤلفه‌های کلیدی تأثیرگذار، دخالت مستقیم قدرت‌های خارجی در سیاست داخلی عراق است. این دخالت‌ها، هم از طریق احزاب سیاسی و هم از طریق نهادهای غیردولتی، به جهت‌دهی به اولویت‌های فرهنگی منجر می‌شوند. همچنین نقش پارلمان عراق در تصویب قوانین مرتبط با فرهنگ و جایگاه وزارت فرهنگ در تدوین سیاست‌های ملی، از عوامل تأثیرگذار	دخالت خارجی‌ها نقش احزاب و نهادهای غیردولتی جایگاه پارلمان و وزارت فرهنگ

دیگر است	
پیچیدگی پس از رژیم بعث تعارض نهادهای دولتی و غیردولتی تأثیر نخبگان و امنیت	نظام سیاسی عراق پس از سقوط رژیم بعث وارد مرحله‌ای پیچیده شده است که در آن تعارض میان نهادهای دولتی و غیردولتی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی مشهود است. مؤلفه‌هایی مانند تأثیر نخبگان سیاسی، سیاست‌های امنیتی، و فضای سیاسی پرچالش کشور نیز از دیگر عوامل مهم هستند
تنوع قومیتی و مذهبی سیاست‌های خاص گرایانه نفوذ خارجی‌ها	وجود تنوع قومیتی و مذهبی در عراق یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها و مؤلفه‌های تأثیرگذار است. این تنوع باعث می‌شود که سیاست‌های فرهنگی برای یک قوم یا مذهب خاص طراحی شود و دیگر گروه‌ها احساس حذف شوند. همچنین نقش دولت‌های خارجی و فشارهای آن‌ها در تدوین سیاست‌های فرهنگی انکارناپذیر است
نفوذ احزاب منافع سیاسی در فرهنگ ضعف ساختاری و کمبود بودجه	حاکمیت احزاب سیاسی در عراق و نفوذ آن‌ها در دستگاه‌های دولتی یکی از مؤلفه‌های اصلی است. این احزاب اغلب منافع سیاسی خود را در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی نیز دنبال می‌کنند. علاوه بر این، ضعف ساختارهای نهادی و کمبود بودجه برای پروژه‌های فرهنگی، تأثیر منفی بر توسعه خط‌مشی‌های فرهنگی دارد
تمرکز قدرت مرکزی فساد اداری منافع جناحی	تأثیر مؤلفه‌های سیاسی بر خط‌مشی‌گذاری فرهنگی شامل تمرکز قدرت در دولت مرکزی، ضعف سیستم‌های دموکراتیک و فساد اداری است. این موارد باعث شده که سیاست‌های فرهنگی به‌جای اولویت‌های ملی، تحت تأثیر منافع جناحی و سیاسی قرار گیرند
پیچیدگی ساختار سیاسی نقش نظام فدرالی اختلاف گروه‌های سیاسی	رابطه میان سیاست و فرهنگ در عراق به دلیل ساختار سیاسی چندلایه پیچیده است. تأثیر نظام فدرالی، نقش دولت‌های محلی، و اختلافات بین گروه‌های سیاسی در اولویت‌بندی برنامه‌های فرهنگی به‌وضوح مشاهده می‌شود
ناپایداری حکومتی سیاست‌های کوتاه‌مدت تعارضات سیاسی	فضای سیاسی متغیر عراق، با وجود تعارضات سیاسی و ناپایداری‌های حکومتی، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های خط‌مشی‌گذاری فرهنگی است. این فضا باعث شده که سیاست‌های فرهنگی بلندمدت تدوین نشود و برنامه‌ها اغلب موقتی باشند
نقش گروه‌های مذهبی تعامل مذهبی‌ها با دولت جهت‌دهی فرهنگی مذهبی	نقش گروه‌های مذهبی و دینی در شکل‌دهی به سیاست‌های فرهنگی بسیار برجسته است. این گروه‌ها اغلب در تعامل مستقیم با دولت و نهادهای سیاسی هستند و جهت‌دهی خاصی به خط‌مشی‌های فرهنگی می‌دهند
تغییرات سیاسی داخلی	در عراق، سیاست‌های فرهنگی اغلب تحت تأثیر تغییرات سیاسی

فشارهای بین‌المللی تغییرات ساختاری حکومتی	داخلی و فشارهای بین‌المللی قرار می‌گیرند. مؤلفه‌هایی مانند ارتباطات بین‌المللی، سیاست خارجی و تغییرات در ساختارهای حکومتی تأثیر عمده‌ای بر این فرآیند دارند
نظام فدرالی و توزیع قدرت عدم هماهنگی مرکز و محلی	۲ ساختارهای حکومتی عراق به دلیل نظام فدرالی و توزیع قدرت میان دولت مرکزی و دولت‌های محلی، در شکل‌گیری خط‌مشی‌های فرهنگی پیچیدگی زیادی دارند. دولت مرکزی اغلب سیاست‌های کلی را تعیین می‌کند، اما در اجرا، دولت‌های محلی به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی دست به اقدامات مستقل می‌زنند. نبود هماهنگی و چارچوب مشخص، اجرای سیاست‌های فرهنگی یکپارچه را دشوار کرده است.
ضعف وزارت فرهنگ نفوذ احزاب و کمبود منابع	وزارت فرهنگ عراق به عنوان نهاد اصلی سیاست‌گذاری فرهنگی، به دلیل کمبود منابع مالی و انسانی توانایی لازم برای اجرای مؤثر سیاست‌ها را ندارد. همچنین، نبود شفافیت در توزیع بودجه فرهنگی و نفوذ احزاب سیاسی در ساختارهای حکومتی، باعث شده که اولویت‌های فرهنگی اغلب با نیازهای واقعی جامعه منطبق نباشند.
بوروکراسی و کندگی اداری نبود برنامه‌ریزی	نظام اداری پیچیده و بوروکراسی حاکم بر عراق یکی از عوامل کندگی در اجرای سیاست‌های فرهنگی است. این ساختارها اغلب تحت نفوذ جناح‌های سیاسی هستند و تصمیم‌گیری‌ها بیشتر بر اساس منافع سیاسی انجام می‌شود تا اولویت‌های فرهنگی. نبود برنامه‌ریزی استراتژیک نیز به این مشکلات افزوده است.
تمرکز بر امنیت ضعف هماهنگی مرکزی و محلی	ساختارهای حکومتی در عراق به دلیل تمرکز بیش از حد بر سیاست‌های امنیتی، معمولاً توجه کافی به فرهنگ ندارند. این امر باعث شده که سیاست‌گذاری فرهنگی در اولویت پایین‌تری قرار گیرد. علاوه بر این، ضعف در هماهنگی بین نهادهای محلی و مرکزی باعث کاهش اثربخشی سیاست‌ها شده است.
تعارض مرکز و محلی سیاست‌های خاص مناطق	وجود تعارضات میان دولت مرکزی و دولت‌های محلی در عراق، اجرای سیاست‌های فرهنگی را با چالش مواجه کرده است. به عنوان مثال، دولت‌های محلی در برخی مناطق خودمختار، سیاست‌های فرهنگی خاصی را اجرا می‌کنند که ممکن است با سیاست‌های ملی هماهنگ نباشد. این اختلافات نقش مؤثری در کاهش انسجام فرهنگی دارند.
دخالت سیاسی و مذهبی فساد و ضعف اجرایی	دخالت گروه‌های سیاسی و مذهبی در ساختارهای حکومتی باعث شده که سیاست‌های فرهنگی به جای توجه به تنوع ملی، بیشتر منعکس‌کننده منافع این گروه‌ها باشد. علاوه بر این، فساد اداری و ضعف در اجرای قوانین، از عوامل محدودکننده در تحقق اهداف فرهنگی هستند.

چندپارچگی نظام فدرالی تأثیر قومیت و مذهب	نظام فدرالی عراق، اگرچه از نظر قانونی برای تمرکززدایی طراحی شده، اما در عمل باعث ایجاد چندپارچگی در سیاست‌گذاری فرهنگی شده است. استان‌های مختلف به دلیل تنوع مذهبی و قومیتی سیاست‌های متفاوتی را دنبال می‌کنند و این موضوع باعث کاهش اثرگذاری سیاست‌های ملی فرهنگی شده است.
نبود برنامه‌ریزی بلندمدت نفوذ خارجی و تغییرات مدیریتی	ساختارهای حکومتی عراق معمولاً به دلیل نبود برنامه‌ریزی بلندمدت در حوزه فرهنگ، دچار ناپایداری هستند. همچنین، تغییرات مکرر در مدیریت دولتی و نفوذ قدرت‌های خارجی در این ساختارها، اجرای سیاست‌های فرهنگی را با مشکلات زیادی مواجه کرده است.
نقش محدود مرکز ضعف منابع و پراکندگی سیاست‌ها	نقش دولت مرکزی در سیاست‌گذاری فرهنگی بسیار محدود است و اغلب سیاست‌های فرهنگی به صورت پراکنده و غیرمتمرکز اجرا می‌شوند. نهادهای فرهنگی محلی نیز به دلیل ضعف در دسترسی به منابع مالی و زیرساخت‌ها، توانایی تحقق اهداف فرهنگی را ندارند.
هماهنگی ضعیف نظام فدرالی تضاد سیاست‌های محلی و ملی	در عراق، ساختارهای حکومتی با وجود طراحی فدرالی، در عمل دچار ضعف در هماهنگی و اجرای سیاست‌های فرهنگی هستند. دولت مرکزی بیشتر بر اولویت‌های امنیتی متمرکز است و سیاست‌های فرهنگی به حاشیه رانده می‌شود. همچنین، دولت‌های محلی به دلیل تنوع قومیتی و مذهبی گاه سیاست‌هایی را تدوین می‌کنند که با سیاست‌های ملی در تضاد است. این عدم هماهنگی باعث شده که اهداف فرهنگی به طور کامل محقق نشوند.

در ادامه کدهای استخراج شده بر اساس مضامین پایه و سازمان دهنده دسته بندی شده

است:

جدول ۲: کدگذاری مضمونها

کد مفهومی	مفاهیم سازمان دهنده
نظام فدرالی و تأثیر آن سیاست‌های غیرمتمرکز پیچیدگی ساختار سیاسی تغییرات ساختاری حکومتی تمرکز قدرت مرکزی ناپایداری حکومتی تعارضات مرکز و محلی	ساختار سیاسی و حکومتی
تنوع قومیتی و مذهبی اختلاف گروه‌های سیاسی تنش‌های قومی و حزبی نقش گروه‌های مذهبی تعامل مذهبی‌ها با دولت تعارضات قومی و مذهبی	تنوع قومی و مذهبی
دخالت خارجی‌ها نفوذ احزاب و قدرت‌های خارجی منافع سیاسی در فرهنگ فشارهای بین‌المللی رقابت داخلی و خارجی	نفوذ خارجی و احزاب سیاسی
فساد اداری هدررفت منابع ضعف در تخصیص بودجه بوروکراسی و کندگی اداری نبود شفافیت	فساد اداری و مشکلات اجرایی
کمبود بودجه و منابع مالی ضعف زیرساخت‌های فرهنگی توزیع نامناسب منابع توقف یا اجرای محدود پروژه‌ها	منابع مالی و زیرساخت‌ها
نبود برنامه‌ریزی استراتژیک سیاست‌های موقت و پراکنده الگوگیری از تجربیات جهانی ارزیابی مستمر سیاست‌ها	برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری

تدوین سیاست‌های بلندمدت	
هماهنگی و انسجام	هماهنگی دولت مرکزی و محلی ضعف هماهنگی میان نهادها تضاد سیاست‌های محلی و ملی نبود انسجام فرهنگی
تأثیر نخبگان و جامعه علمی	نقش نخبگان در سیاست‌گذاری همکاری علمی با دولت تحلیل و شناسایی چالش‌ها ارائه راهکارهای علمی تربیت نیروی انسانی متخصص
نقش سازمان‌های غیردولتی	مشارکت سازمان‌های غیردولتی تقویت گفت‌وگوهای اجتماعی استقلال نهادهای فرهنگی از سیاست
تأثیرات خارجی و رسانه‌ها	تأثیر منفی رسانه‌های خارجی ضعف مقابله با تأثیرات فرهنگی خارجی گسترش دیپلماسی فرهنگی
آموزش و آگاهی‌بخشی	آموزش فرهنگی در مدارس و دانشگاه‌ها فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌ها ارتقای آگاهی عمومی آموزش کارکنان نهادهای فرهنگی
سیاست‌های فرهنگی	سیاست‌های خاص گرایانه استفاده از فرهنگ به عنوان ابزار سیاسی طراحی سیاست‌های منطبق با واقعیت‌های اجتماعی ترویج فرهنگ بین‌المللی
امنیت و ثبات	تمرکز بر مسائل امنیتی چالش‌های امنیتی در اجرای سیاست‌ها تأثیر بی‌ثباتی سیاسی بر فرهنگ
تحقیقات و توسعه فرهنگی	تأسیس مراکز پژوهشی فرهنگی استفاده از تحقیقات به عنوان مبنای سیاست‌گذاری تدوین چارچوب‌های نظری برای سیاست‌گذاری
فناوری نوین	بهره‌گیری از فناوری‌های نوین طراحی برنامه‌های دیجیتال مرتبط با فرهنگ استفاده از فناوری در ترویج سیاست‌های فرهنگی

در ادامه دسته بندی متغیرهای پژوهش آمده است:

جدول ۳: مضامین پایه و سازمان دهنده

مفاهیم فراگیر	مفاهیم سازمان دهنده	کدمفهومی
ساختار حکومتی و سیاسی	ساختار سیاسی و حکومتی	نظام فدرالی و تأثیر آن سیاست های غیرمتمرکز پیچیدگی ساختار سیاسی تغییرات ساختاری حکومتی تمرکز قدرت مرکزی ناپایداری حکومتی تعارضات مرکز و محلی
هماهنگی و انسجام	هماهنگی دولت مرکزی و محلی ضعف هماهنگی میان نهادها تضاد سیاست های محلی و ملی نبود انسجام فرهنگی	امنیت و ثبات تمرکز بر مسائل امنیتی چالش های امنیتی در اجرای سیاست ها تأثیر بی ثباتی سیاسی بر فرهنگ
نقش سازمان های غیردولتی	مشارکت سازمان های غیردولتی تقویت گفت و گوهای اجتماعی استقلال نهادهای فرهنگی از سیاست	تنوع فرهنگی و اجتماعی تنوع قومی و مذهبی اختلاف گروه های سیاسی تنش های قومی و حزبی نقش گروه های مذهبی تعامل مذهبی ها با دولت تعارضات قومی و مذهبی
سیاست های فرهنگی	سیاست های خاص گرایانه استفاده از فرهنگ به عنوان ابزار سیاسی طراحی سیاست های منطبق با واقعیت های اجتماعی ترویج فرهنگ بین المللی	آموزش و آگاهی بخشی آموزش فرهنگی در مدارس و دانشگاه ها

فرهنگ سازی از طریق رسانه‌ها ارتقای آگاهی عمومی آموزش کارکنان نهادهای فرهنگی		
نفوذ خارجی و تأثیرات بین‌المللی	نفوذ خارجی و احزاب سیاسی	دخالت خارجی‌ها نفوذ احزاب و قدرت‌های خارجی منافع سیاسی در فرهنگ فشارهای بین‌المللی رقابت داخلی و خارجی
تأثیرات خارجی و رسانه‌ها تأثیر منفی رسانه‌های خارجی ضعف مقابله با تأثیرات فرهنگی خارجی گسترش دیپلماسی فرهنگی		
فساد، منابع و زیرساخت‌ها	فساد اداری و مشکلات اجرایی	فساد اداری هدررفت منابع ضعف در تخصیص بودجه بوروکراسی و کندی اداری نبود شفافیت
منابع مالی و زیرساخت‌ها کمبود بودجه و منابع مالی ضعف زیرساخت‌های فرهنگی توزیع نامناسب منابع توقف یا اجرای محدود پروژه‌ها		
سیاست گذاری، برنامه‌ریزی و توسعه	برنامه‌ریزی و سیاست گذاری	نبود برنامه‌ریزی استراتژیک سیاست‌های موقت و پراکنده الگوگیری از تجربیات جهانی ارزیابی مستمر سیاست‌ها تدوین سیاست‌های بلندمدت
تحقیقات و توسعه فرهنگی تأسیس مراکز پژوهشی فرهنگی استفاده از تحقیقات به‌عنوان مبنای سیاست گذاری تدوین چارچوب‌های نظری برای سیاست گذاری		
فناوری و نوآوری	فناوری نوین	بهره‌گیری از فناوری‌های نوین طراحی برنامه‌های دیجیتال مرتبط با فرهنگ

استفاده از فناوری در ترویج سیاست‌های

فرهنگی

تأثیر نخبگان و جامعه علمی	نقش نخبگان در سیاست‌گذاری
علمی	همکاری علمی با دولت
	تحلیل و شناسایی چالش‌ها
	ارائه راهکارهای علمی
	تربیت نیروی انسانی متخصص

بخش کمی

آزمون فریدمن مولفه‌های اصلی

آزمون فریدمن برای بررسی و اولویت‌بندی مولفه‌های اصلی شناسایی شده که در این تحقیق مدنظر بوده‌اند؛ استفاده شده و نتایج آن در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۴: آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی مولفه‌های اصلی

نتیجه	Sig سطح معناداری	χ^2 آماره آزمون
تفاوت معنادار	۰/۰۰۰	۱۱۱۰/۴۴
رتبه	M میانگین رتبه	شاخص‌ها
۱	۵/۹۸	ساختار حکومتی و سیاسی
۶	۱/۹۴	فساد، منابع و زیرساخت‌ها
۲	۳/۷۴	سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و توسعه
۵	۲/۳۴	فناوری و نوآوری
۴	۳/۳۷	نفوذ خارجی و تأثیرات بین‌المللی
۳	۳/۶۳	تنوع فرهنگی و اجتماعی

بر مبنای جدول (۴) مقدار سطح معناداری آزمون فریدمن برای بررسی شاخص‌ها کمتر از مقدار سطح معناداری $\alpha=0/05$ می‌باشند. در نتیجه میزان تأثیر مولفه‌های اصلی یکسان نبوده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که از دیدگاه خبرگان مولفه "ساختار حکومتی و سیاسی" در بالاترین سطح و شاخص "فساد، منابع و زیرساخت‌ها" در پایین‌ترین سطح ارزیابی شده‌اند.

آزمون فریدمن عوامل ساختار حکومتی و سیاسی: آزمون فریدمن برای بررسی اولویت بندی عوامل ساختار حکومتی و سیاسی که در این تحقیق مدنظر بوده اند؛ استفاده شده و نتایج آن در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول ۵: آزمون فریدمن برای رتبه بندی عوامل ساختار حکومتی و سیاسی

نتیجه	Sig سطح معناداری	χ^2 آماره آزمون
تفاوت معنادار	۰/۰۰۰	۸۰۰/۳۹۸
رتبه	M میانگین رتبه	شاخص ها
۱	۳/۸۲	ساختار سیاسی و حکومتی
۳	۱/۸۶	هماهنگی و انسجام
۴	۱/۴۷	امنیت و ثبات
۲	۲/۸۵	نقش سازمان های غیردولتی

بر مبنای جدول (۵) مقدار سطح معناداری آزمون فریدمن برای بررسی شاخص ها کمتر از مقدار سطح معناداری $\alpha=0/05$ می باشد. در نتیجه میزان تاثیر عوامل ساختار حکومتی و سیاسی یکسان نبوده است. همچنین نتایج نشان می دهد که از دیدگاه خبرگان مولفه " ساختار سیاسی و حکومتی " در بالاترین سطح و شاخص " امنیت و ثبات " در پایین ترین سطح ارزیابی شده اند.

آزمون فریدمن عوامل تنوع فرهنگی و اجتماعی: آزمون فریدمن برای بررسی اولویت بندی عوامل تنوع فرهنگی و اجتماعی که در این تحقیق مدنظر بوده اند؛ استفاده شده و نتایج آن در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول ۶: آزمون فریدمن برای رتبه بندی عوامل تنوع فرهنگی و اجتماعی

نتیجه	Sig سطح معناداری	χ^2 آماره آزمون
تفاوت معنادار	۰/۰۰۰	۶۶۵/۰۰۵
رتبه	M میانگین رتبه	شاخص ها
۲	۲/۱۷	تنوع قومی و مذهبی
۱	۲/۸۳	سیاست های فرهنگی
۳	۱	آموزش و آگاهی بخشی

بر مبنای جدول (۶) مقدار سطح معناداری آزمون فریدمن برای بررسی شاخص‌ها کمتر از مقدار سطح معناداری $\alpha=0/05$ می‌باشند. در نتیجه میزان تاثیر عوامل تنوع فرهنگی و اجتماعی یکسان نبوده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که از دیدگاه خبرگان مولفه "سیاست‌های فرهنگی" در بالاترین سطح و شاخص "آموزش و آگاهی‌بخشی" در پایین‌ترین سطح ارزیابی شده‌اند.

آزمون فریدمن عوامل نفوذ خارجی و تأثیرات بین‌المللی: آزمون فریدمن برای بررسی و اولویت‌بندی عوامل نفوذ خارجی و تأثیرات بین‌المللی که در این تحقیق مدنظر بوده‌اند؛ استفاده شده و نتایج آن در جدول (۷) ارائه شده است.

جدول ۷: آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی عوامل نفوذ خارجی و تأثیرات بین‌المللی

نتیجه	Sig سطح معناداری	χ^2 آماره آزمون
تفاوت معنادار	0/017	11/182
رتبه	M میانگین رتبه	شاخص‌ها
۲	1/47	نفوذ خارجی و احزاب سیاسی
۱	1/53	تأثیرات خارجی و رسانه‌ها

بر مبنای جدول (۷) مقدار سطح معناداری آزمون فریدمن برای بررسی شاخص‌ها کمتر از مقدار سطح معناداری $\alpha=0/05$ می‌باشند. در نتیجه میزان تاثیر عوامل نفوذ خارجی و تأثیرات بین‌المللی یکسان نبوده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که از دیدگاه خبرگان مولفه "تأثیرات خارجی و رسانه‌ها" در بالاترین سطح و شاخص "نفوذ خارجی و احزاب سیاسی" در پایین‌ترین سطح ارزیابی شده‌اند.

آزمون فریدمن عوامل فساد، منابع و زیرساخت‌ها: آزمون فریدمن برای بررسی و اولویت‌بندی عوامل فساد، منابع و زیرساخت‌ها که در این تحقیق مدنظر بوده‌اند؛ استفاده شده و نتایج آن در جدول (۸) ارائه شده است.

جدول ۸: آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی عوامل فساد، منابع و زیرساخت‌ها

نتیجه	Sig سطح معناداری	χ^2 آماره آزمون
تفاوت معنادار	۰/۰۰۰	۲۱/۵۹۷
رتبه	M میانگین رتبه	شاخص‌ها
۲	۲/۶۹	فساد اداری و مشکلات اجرایی
۱	۳/۴۸	منابع مالی و زیرساخت‌ها

بر مبنای جدول (۸) مقدار سطح معناداری آزمون فریدمن برای بررسی شاخص‌ها کمتر از مقدار سطح معناداری $\alpha=0/05$ می‌باشند. در نتیجه میزان تاثیر عوامل فساد، منابع و زیرساخت‌ها یکسان نبوده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که از دیدگاه خبرگان مولفه "منابع مالی و زیرساخت‌ها" در بالاترین سطح و شاخص "فساد اداری و مشکلات اجرایی" در پایین‌ترین سطح ارزیابی شده‌اند.

آزمون فریدمن عوامل سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و توسعه: آزمون فریدمن برای بررسی و اولویت‌بندی عوامل سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و توسعه که در این تحقیق مدنظر بوده‌اند؛ استفاده شده و نتایج آن در جدول (۹) ارائه شده است.

جدول ۹: آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی عوامل سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و توسعه

نتیجه	Sig سطح معناداری	χ^2 آماره آزمون
تفاوت معنادار	۰/۰۱۰	۱۹/۵۲۱
رتبه	M میانگین رتبه	شاخص‌ها
۱	۳/۴۸	برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری
۲	۲/۵۲	تحقیقات و توسعه فرهنگی

بر مبنای جدول (۹) مقدار سطح معناداری آزمون فریدمن برای بررسی شاخص‌ها کمتر از مقدار سطح معناداری $\alpha=0/05$ می‌باشند. در نتیجه میزان تاثیر عوامل سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و توسعه یکسان نبوده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که از دیدگاه خبرگان

مولفه " برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری " در بالاترین سطح و شاخص " تحقیقات و توسعه فرهنگی " در پایین‌ترین سطح ارزیابی شده‌اند.

آزمون فریدمن عوامل فناوری و نوآوری: آزمون فریدمن برای بررسی و اولویت‌بندی عوامل فناوری و نوآوری که در این تحقیق مدنظر بوده‌اند؛ استفاده شده و نتایج آن در جدول (۱۰) ارائه شده است.

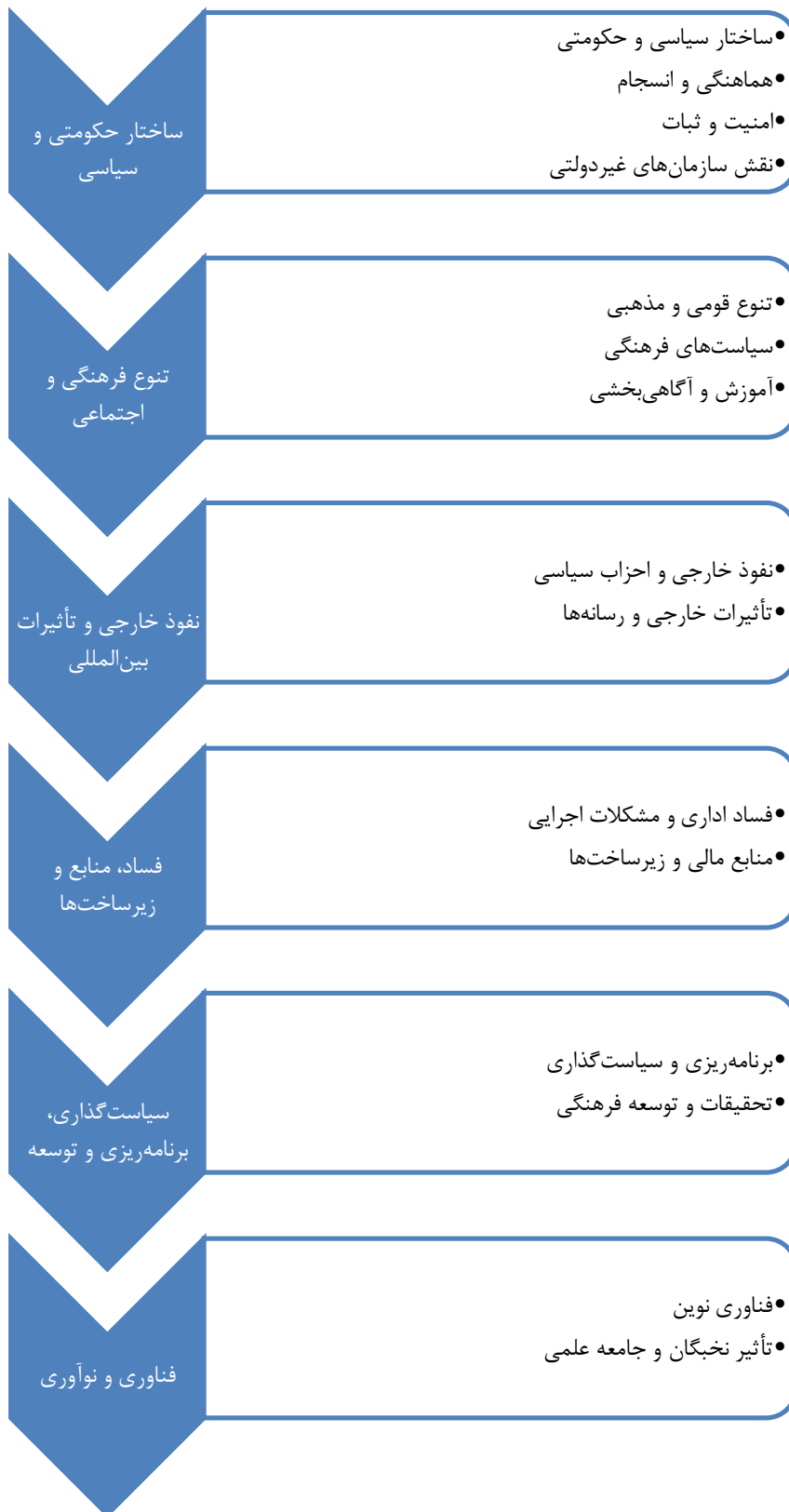
جدول ۱۰: آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی عوامل فناوری و نوآوری

نتیجه	Sig سطح معناداری	χ^2 آماره آزمون
تفاوت معنادار	۰/۰۰۹	۱۳/۰۰۳
رتبه	M میانگین رتبه	شاخص‌ها
۱	۲/۵۰	فناوری نوین
۲	۱/۸۹	تأثیر نخبگان و جامعه علمی

بر مبنای جدول (۱۰) مقدار سطح معناداری آزمون فریدمن برای بررسی شاخص‌ها کمتر از مقدار سطح معناداری $\alpha=0/05$ می‌باشند. در نتیجه میزان تأثیر عوامل فناوری و نوآوری یکسان نبوده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که از دیدگاه خبرگان مولفه " فناوری نوین " در بالاترین سطح و شاخص " تأثیر نخبگان و جامعه علمی " در پایین‌ترین سطح ارزیابی شده‌اند.

مدل نهایی پژوهش

با توجه به یافته‌های پژوهش شکل زیر الگوی خط مشی گذاری فرهنگی بر اساس مولفه‌های سیاسی کشور عراق می‌باشد:



بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه، تدوین الگوی خط مشی گذاری فرهنگی بر اساس مولفه های سیاسی کشور عراق انجام شده است.

با توجه به نتایج می‌توان گفت که الگوی خط مشی گذاری فرهنگی در کشور عراق بر اساس مولفه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فناوری به شکل پیچیده‌ای تعریف می‌شود. اولاً، ساختار حکومتی و سیاسی عراق نقش محوری در تعیین خط مشی های فرهنگی دارد. ساختار سیاسی و حکومتی کشور که شامل نظام حکومتی، هماهنگی میان نهادها، ثبات امنیتی و نقش سازمان های غیردولتی می‌شود، تأثیر زیادی بر سیاست های فرهنگی دارد. در عراق، وجود تنوع قومی و مذهبی و تأثیرگذاری سازمان های غیردولتی بر روند تصمیم گیری های فرهنگی باعث شکل گیری سیاست هایی می‌شود که نیازمند هماهنگی دقیق بین نهادهای مختلف هستند. ثانیاً، تنوع فرهنگی و اجتماعی در عراق به دلیل حضور اقوام و مذاهب مختلف از جمله عرب ها، کردها، ترکمان ها و آشوری ها، نیازمند سیاست های فرهنگی متنوع است. این تنوع فرهنگی، ضرورت توجه به آموزش، آگاهی بخشی و طراحی سیاست های فرهنگی جامع را افزایش می‌دهد تا بتواند انسجام اجتماعی را تقویت کند. سیاست های فرهنگی باید به گونه ای تنظیم شوند که تفاوت های فرهنگی را به عنوان فرصت هایی برای تقویت هویت ملی به کار گیرند. در نهایت، نفوذ خارجی و تأثیرات بین المللی، فساد منابع و زیرساخت ها، سیاست گذاری و برنامه ریزی توسعه ای و فناوری و نوآوری از دیگر عوامل مؤثر هستند. نفوذ احزاب خارجی و رسانه های بین المللی می‌توانند بر خط مشی های فرهنگی تأثیر بگذارند. همچنین، فساد اداری و مشکلات زیرساختی چالش هایی در اجرای این سیاست ها ایجاد می‌کند. پیشرفت های فناوری نیز فرصت ها و چالش های جدیدی در توسعه فرهنگی ایجاد می‌کند که باید در سیاست گذاری های فرهنگی مورد توجه قرار گیرند. در مجموع، خط مشی گذاری فرهنگی در عراق نیازمند توجه به تعامل پیچیده این عوامل است تا بتواند در مسیر توسعه پایدار فرهنگی گام بردارد.

بر اساس نتایج عوامل سیاسی مؤثر بر خط مشی گذاری فرهنگی کشور عراق عبارتند از: ساختار حکومتی و سیاسی، نفوذ خارجی و تأثیرات بین المللی و سیاست گذاری، برنامه ریزی و توسعه می‌باشد. عوامل سیاسی مؤثر بر خط مشی گذاری فرهنگی کشور عراق را می‌توان در سه محور اصلی شامل ساختار حکومتی و سیاسی، نفوذ خارجی و تأثیرات

بین‌المللی و سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و توسعه بررسی کرد. در وهله نخست، ساختار حکومتی و سیاسی عراق که بر پایه یک نظام پارلمانی فدرال استوار است، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به سیاست‌های فرهنگی دارد. وجود تنوع قومی و مذهبی گسترده در عراق باعث شده تا تصمیم‌گیری‌های فرهنگی نیازمند هماهنگی میان نهادهای مختلف دولتی، احزاب سیاسی و گروه‌های اجتماعی باشد. از سوی دیگر، ثبات سیاسی و امنیت داخلی از جمله عواملی هستند که به طور مستقیم بر روند سیاست‌گذاری‌های فرهنگی تأثیر می‌گذارند، زیرا بی‌ثباتی می‌تواند مانعی جدی برای اجرای سیاست‌های فرهنگی مؤثر باشد. در بعد دوم، نفوذ خارجی و تأثیرات بین‌المللی از جمله عوامل کلیدی در جهت‌دهی به خط‌مشی‌های فرهنگی عراق به شمار می‌رود. عراق به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی حساس خود در خاورمیانه، همواره در معرض تأثیرگذاری قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی بوده است. دخالت‌های سیاسی و فرهنگی کشورهای خارجی، حضور رسانه‌های بین‌المللی و همچنین نفوذ ایدئولوژیک از طریق سازمان‌های خارجی می‌توانند روند تصمیم‌گیری‌های فرهنگی داخلی را تحت تأثیر قرار دهند. این نفوذها گاه می‌توانند به ایجاد چالش‌هایی در حفظ هویت فرهنگی ملی منجر شوند و سیاست‌گذاران را وادار به اتخاذ راهبردهایی برای مقابله یا هم‌راستایی با این تأثیرات کنند. در نهایت، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و توسعه از دیگر عوامل سیاسی مهم در تعیین خط‌مشی‌های فرهنگی عراق است. تدوین سیاست‌های فرهنگی کارآمد نیازمند وجود یک چارچوب برنامه‌ریزی دقیق است که به توسعه فرهنگی، تحقیق و نوآوری توجه ویژه داشته باشد. سیاست‌گذاران باید بر اساس نیازهای جامعه، برنامه‌هایی را طراحی کنند که بتوانند ضمن حفظ ارزش‌های بومی و ملی، به ارتقای سطح فرهنگی در ابعاد مختلف کمک کنند. در این مسیر، نقش نخبگان فکری و علمی، نهادهای فرهنگی و آموزشی، و همچنین نهادهای مدنی در پیشبرد اهداف فرهنگی و توسعه پایدار فرهنگی بسیار حائز اهمیت است.

بر مبنای نتایج مولفه‌های خط‌مشی‌گذاری فرهنگی شامل: تنوع فرهنگی و اجتماعی، فساد، منابع و زیرساخت‌ها و سیاست‌گذاری، فناوری و نوآوری می‌باشد. در تبیین مولفه‌های خط‌مشی‌گذاری فرهنگی بر اساس مولفه‌های سیاسی کشور عراق، می‌توان به چهار محور اصلی اشاره کرد که هر کدام نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به سیاست‌های فرهنگی این کشور دارند. نخستین مولفه، تنوع فرهنگی و اجتماعی است. عراق کشوری چند قومیتی و چند مذهبی است که در آن گروه‌های مختلفی مانند عرب‌ها، کردها، ترکمان‌ها، آشوری‌ها

و اقلیت‌های دینی چون مسلمانان شیعه و سنی، مسیحیان، ایزدی‌ها و مندائیان زندگی می‌کنند. این تنوع فرهنگی و اجتماعی، سیاست‌گذاران را ملزم می‌کند تا خط مشی‌های فرهنگی را به گونه‌ای تدوین کنند که بازتاب‌دهنده هویت‌های مختلف باشد و به تقویت همبستگی ملی کمک کند. مدیریت این تنوع نیازمند رویکردهایی است که از یک سو به حفظ هویت‌های قومی و مذهبی احترام بگذارد و از سوی دیگر، انسجام اجتماعی را تقویت کند.

مولفه دوم، فساد، منابع و زیرساخت‌ها است که به عنوان یکی از چالش‌های اساسی در فرآیند خط مشی‌گذاری فرهنگی عراق مطرح می‌شود. فساد اداری و سوءمدیریت منابع مالی می‌تواند مانعی جدی برای اجرای سیاست‌های فرهنگی مؤثر باشد. علاوه بر این، ضعف در زیرساخت‌های فرهنگی مانند کمبود مراکز فرهنگی، کتابخانه‌ها، مراکز آموزشی و نهادهای هنری می‌تواند ظرفیت‌های فرهنگی را محدود کند. برای مقابله با این چالش‌ها، سیاست‌گذاران باید به اصلاحات نهادی، شفاف‌سازی فرآیندهای اداری، بهبود مدیریت منابع و توسعه زیرساخت‌های فرهنگی توجه ویژه‌ای داشته باشند تا زمینه مناسبی برای رشد و شکوفایی فرهنگی فراهم شود. در نهایت، سیاست‌گذاری، فناوری و نوآوری به عنوان سومین مولفه کلیدی در خط مشی‌گذاری فرهنگی عراق شناخته می‌شود. در دنیای امروز، فناوری‌های نوین نقش مهمی در شکل‌دهی به فرهنگ جوامع دارند و سیاست‌گذاران فرهنگی نمی‌توانند نسبت به تأثیرات آن بی‌تفاوت باشند. از یک سو، فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی می‌توانند ابزارهای مؤثری برای ترویج ارزش‌های فرهنگی و تقویت آموزش و آگاهی عمومی باشند. از سوی دیگر، این فناوری‌ها می‌توانند چالش‌هایی مانند تضعیف هویت فرهنگی و گسترش فرهنگ‌های بیگانه را به همراه داشته باشند. بنابراین، سیاست‌گذاری فرهنگی باید به گونه‌ای طراحی شود که از ظرفیت‌های فناوری برای توسعه فرهنگی بهره‌گیرد و در عین حال، از آسیب‌های احتمالی آن جلوگیری کند. این امر نیازمند توجه به نقش نخبگان علمی، پژوهش‌های فرهنگی و تدوین سیاست‌هایی مبتنی بر شواهد علمی است.

با توجه به عوامل شناسایی شده پیشنهاد می‌شود که:

- ایجاد سازوکارهای مؤثر برای افزایش هماهنگی میان نهادهای دولتی و غیردولتی در جهت تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی، همراه با اصلاحات نهادی برای افزایش کارایی نظام حکمرانی.

- طراحی برنامه‌های جامع برای تقویت امنیت اجتماعی و سیاسی، که زمینه‌ساز اجرای موفق‌تر سیاست‌های فرهنگی در سراسر کشور باشد، به‌ویژه در مناطق دارای تنوع قومی و مذهبی.
 - تدوین برنامه‌های آموزشی متناسب با نیازهای فرهنگی جامعه، با تأکید بر نقش آموزش رسمی و غیررسمی در ارتقای آگاهی‌های فرهنگی و تقویت هویت ملی.
 - ایجاد چارچوب‌های قانونی برای مدیریت نفوذ رسانه‌های خارجی و ارتقای رسانه‌های داخلی با هدف حفظ هویت فرهنگی و مقابله با جریان‌های فرهنگی مخرب.
 - استقرار سیستم‌های شفافیت اداری، نظارت دقیق بر تخصیص منابع فرهنگی، و ایجاد نهادهای نظارتی مستقل برای کاهش فساد در نهادهای فرهنگی و اجرایی.
- در این پژوهش مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش که پتانسیل تحت تأثیر قرار دادن تعمیم‌پذیری نتایج حاصل را دارند به شرح زیر می‌باشند:
- پژوهش حاضر در قلمرو مکانی در کشور عراق انجام گردیده، بنابراین در خصوص تعمیم نتایج به دیگر شهرها، این تعمیم باید با احتیاط صورت گیرد.
 - با توجه به اینکه در پژوهش حاضر ضروری بود که اطلاعات با روش مصاحبه جمع‌آوری شود، شلوغی بیش از حد شهر و رفت و آمد را محدود نمود، دسترسی به اعضای نمونه و انجام مصاحبه‌های عمیق‌تر تا حدی با محدودیت همراه بود.

منابع

- انصاری، محمدرضا، قیومی، عباسعلی، صالحی امیری، سیدرضا، عزیزآبادی فراهانی، فاطمه. قدمی، محسن. (۱۴۰۰). ارائه الگوی خط مشی گذاری فرهنگی با رویکرد تحول (مورد مطالعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران). مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۱۱(۳۹)، ۴۶-۶۶.
- صادقی ح. (۱۴۰۱). بررسی تاثیر فرهنگ بر خط مشی گذاری عمومی در ایران. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۶(۲۰)، ۲۱۰۲-۲۱۱۲.
- فرامرزی، آلمان، سلاجقه، سنجر. صیادی، سعید. (۱۳۹۷). یکپارچه‌سازی شاخص‌های خط‌مشی گذاری فرهنگی کلان‌شهرها. فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی، ۹(۳۳)، ۱۹-۴۴.
- مهری، کریم، و صمدزاده، سینا. (۱۴۰۰). نقدی بر کتاب فرایند خط‌مشی گذاری عمومی. پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۲۱(۳)، ۳۸۵-۳۹۹.
- سیاه‌منصوری، سیدعلی و مختاریان پور، مجید و اشتریان، کیومرث، ۱۴۰۱، الگوی طراحی خط‌مشی‌های فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، سومین کنفرانس بین‌المللی چالش‌ها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع، مدیریت و حسابداری، چابهار.

شعرا، مصطفی و فاطمی، محمد جواد و بکتاش، اسلام و آشوری، میثم، ۱۴۰۱، تاثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی در تصمیم گیری های سیاسی و خط مشی گذاری دولتی ایران، سومین کنفرانس بین المللی ایده های نوین در مدیریت، حسابداری، اقتصاد و بانکداری.

صافی اصفهانی، محمد وحید و عطاردی، محمدرضا و نصراللهی، محمدصادق، ۱۴۰۱، الگوی تعیین مسائل در فرآیند خط مشی گذاری سازمان های فرهنگی بخش عمومی مطالعه موردی: سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان.

کاظمی، نیلوفر، ۱۴۰۲، ارائه الگوی خط مشی گذاری در فرهنگ مطلوب، یازدهمین کنفرانس ملی ایده های نوین در علوم انسانی و مهندسی، رشت

کمیلی فرد، سید مجتبی، طهماسبی بلوک آباد، رضا. حمزه پور، مهدی. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل گام های نظام خط مشی گذاری فرهنگی در انقلاب اسلامی ایران. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۷(۲۲)، ۲۳-۳۸.

Comunian, R., England, L. (2020). Creative and cultural work without filters: Covid-19 and exposed precarity in the creative economy. *Cultural trends*, 29(2), 112-128.

Giest, S. (2017). Big data for policymaking: fad or fasttrack?. *Policy Sciences*, 50(3), 367-382.

Fancourt, D., Finn, S. (2019). What is the evidence on the role of the arts in improving health and well-being? A scoping review. World Health Organization. Regional Office for Europe.

Kaur, N., Kang, L. S. (2023). Perception of organizational politics, knowledge hiding and organizational citizenship behavior: the moderating effect of political skill. *Personnel Review*, 52(3), 649-670.

Kathem, M. (2020). Cultural (dis) continuity, political trajectories and the state in post-2003 Iraq. *International Journal of Heritage Studies*, 26(2), 163-177.

Miles, M. (2020). Interruptions: Testing the rhetoric of culturally led urban development. In *Culture-Led Urban Regeneration* (pp. 48-70). Routledge.